

مطالعه کیفی مصرف قلیان بین دختران و زنان جوان شهر

شیراز

مهران سهراب‌زاده^۱، لیلا پرنیان^{۲*}

چکیده

در پژوهش حاضر، با هدف راه‌بردن به تجربه و درک دختران و زنان جوان از مصرف قلیان، به روش نظریه‌مبنایی با ۳۷ نفر از این افراد، که سابقه مصرف داشتند، مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و تعاملی انجام گرفت. نتایج نشان داد که پاسخ‌گویان به دلایل دوست‌محوری، برابری‌گرایی، تجددگرایی، لذت‌گرایی، تغییر الگوی فراغت و فشار و درماندگی به مصرف قلیان روی آورده‌اند. در این میان، نبود مانع و مجاورت مکانی به‌مثابه زمینه تسهیل‌گر و مجاورت خانوادگی به‌منزله شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند. استراتژی دختران و زنان جوان در مصرف قلیان شامل: ادامه مصرف به روش پنهان یا آشکار، ترک مصرف و تشدید و تغییر الگوی مصرف دلالت دارد. براساس مطالعه حاضر، مصرف قلیان، گسترش ناهنجاری و آسیب، پشیمانی و احساس گناه و طرد و بی‌اعتباری اجتماعی را در پی داشته است.

کلیدواژگان

بازاندیشی، تجددگرایی، سبک زندگی مخاطره‌آمیز، لذت‌گرایی، مصرف قلیان.

ms3102002@yahoo.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان (گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران)

Parnian.leila@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۴

مقدمه و بیان مسئله

مهم‌ترین تقابل برای گیدنز در جهان امروز، تقابل فرهنگ سنتی و پسا‌سنتی است که به اعتقاد او جامعه امروز، هر روز پسا‌سنتی‌تر می‌شود. اگر در جامعه‌ای سنت حاکم باشد، گزینه‌های عمل از پیش برای افراد تعیین شده است، اما در عصر پسا‌سنتی، دیگر چندان به گذشته نمی‌اندیشیم و با آینده‌ای باز و انعطاف‌پذیر روبه‌رو هستیم [۵۳، ص ۳۰]. همچنین، در این عصر، که با فرایند جهانی‌شدن^۱ مشخص می‌شود، به دلیل امکانات اطلاعاتی و ارتباطی نوینی که خود از مؤلفه‌های جهانی‌شدن محسوب می‌شوند، شاهد تشدید فرایند فرهنگ‌پذیری^۲ هستیم [۷۳] که طی آن «خود» دگرگونی می‌یابد و باید آن را از طریق کاوش‌های شخصی دریابیم.

به عبارت دیگر، در این عصر به دنبال رشد عاملیت^۳ افراد [۵۱، ص ۵۷]، چگونگی رفتار (برخلاف دوره سنتی) به سؤالی جدی و بازاندیشانه‌تر تبدیل شده است [۵۳، ص ۳۰]، که فرد از طریق آن سبک زندگی^۴ و درنهایت هویت مختص به خود را شکل می‌دهد. این بدان معناست که در جریان افزایش آگاهی از نظام معنایی جهانی و کسب تجربه‌های نوین، افراد با حق انتخاب‌های متعدد روبه‌رو شده که در میان این انتخاب‌ها، می‌توانند گزینه‌ای را که با ارزش‌ها و قابلیت‌های شناختی آن‌ها مرتبط باشد [۷۴، ص ۱۷] در قالب سبک زندگی جدیدی برگزینند [۵۰، ص ۱۲].

برخی از این انواع سبک زندگی ممکن است عامل را در محیط‌ها یا وضعیت‌هایی قرار دهد که در ارتباط کم یا زیاد با انحراف یا تجربه قربانی‌شدن قرار گیرد [۷۹؛ ۸۲؛ ۸۳؛ ۱۰۰]. زیرا رفتارهای نابهنجار به طبیعت الگوهای کنش متقابل اجتماعی هر فرد وابسته است و سبک زندگی نیز شامل کلیه فعالیت‌های الزامی، اجباری و هم‌فعالیت‌های احتیاطی می‌شود که افراد به صورت روزانه در آن درگیرند [۱۰۹، ص ۱۵]؛ مثلاً، می‌توان به تغییر الگوی فعالیت‌های روزانه و همچنین گسترش حضور در اماکن عمومی اشاره کرد که به‌منزله وضعیت‌هایی با فرصت‌های بیشتر برای رفتار نابهنجار و قربانی‌شدن شناخته شده‌اند [۷۹؛ ۸۲؛ ۱۰۰]. از سوی دیگر، جذب مؤلفه‌های جدید، در قالب سبک زندگی، ممکن است به تقابل بین عناصر فرهنگی موجود در جامعه و عناصر تازه‌وارد شده بینجامد که یکی از نتایج این وضعیت گسترش نابهنجاری در میان اعضای گروه‌های مختلف در جامعه است [۹۵، ص ۱۵].

از آنجا که جوانان، در مقایسه با گروه‌ها و قشرهای دیگر، روابط اجتماعی گسترده‌تری دارند و با مظاهر و وسایل تجدد و نوسازی، جهانی‌شدن و همچنین اندیشه‌ها و هویت‌های جدید، آشنایی و برخورد بیشتری می‌یابند، بیش از دیگران در معرض تغییرات اجتماعی از این دست

1. Globalization
2. acculturation
3. agency
4. lifestyle

قرار می‌گیرند [۴۵، ص ۱۲۰]. همان‌طور که نتایج تحقیقات مختلف نیز مؤید تغییر سبک زندگی و فرهنگ جوانان، متأثر از تبادلهای و تطورات فرهنگی عصر مدرن، بیش از بقیه گروه‌های جامعه است [۲۲، ص ۵۴؛ ۳۲، ص ۹۴؛ ۴۲، ص ۲۶].

در میان قشر جوان نیز، جایگاه دختران و زنان جوان - به سبب گذار از سنت به تجدد و به هم‌ریختن هنجارهای سنتی، آزاد شدن از خانواده سنتی، نهادینه‌نشدن آزادی، تغییرات اجتماعی همچون افزایش میزان آگاهی و مشارکت اجتماعی، اشتغال و تحصیلات - در اجتماع تغییر کرده است [۲۰، ص ۱۲؛ ۳۱، ص ۷۴؛ ۴۲، ص ۲۶]. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد کاهش محدودیت‌های اجتماعی و توسعه جنبش‌های اجتماعی چون فمینیسم و تحولاتی مانند آن، ساختارهای سنتی و بنیان‌های هویتی زنان و به‌ویژه قشر دختران را با بازاندیشی^۱ و چالش مواجه کرده [۲۱؛ ۳۱، ص ۷۴؛ ۴۲] که خود موجب گسترش برابری‌خواهی و نزدیکی رفتار آنان به مردان و به دنبال آن افزایش ناپهنجاری‌ها و کج‌رفتاری‌های این گروه شده است [۴، ص ۲۱۰]. در میان مجموعه تحولات مرتبط، می‌توان به تغییر الگوی مصرف مواد مخدر از تک‌جنسیتی به سمت دو جنسیتی [۸۶] و همچنین روند افزایشی مصرف مواد دخانی مانند سیگار و قلیان به‌منزله یکی از ناپهنجاری‌های جامعه زنان اشاره کرد [۳۳، ص ۱۱۶]. همان‌طور که می‌دانیم، قلیان^۲ یک روش قدیمی استعمال دخانیات است که جهت استفاده از توتون به کار می‌رود، اما روند صعودی و افزایش مصرف آن، از کشورهای اروپایی و امریکایی [۶۸؛ ۹۹؛ ۱۱۰] تا سایر مناطق جهان، بیانگر آن است که این روش استعمال به یک پدیده جهانی تبدیل شده است [۹۸؛ ۱۱۸].

در جوامع آسیایی و آفریقایی و همچنین ایران، آمارها حاکی از افزایش چشمگیر مصرف آن در بیست سال اخیر [۷۰]، به‌خصوص در سنین نوجوانی [۳۹] و جوانی [۱۵؛ ۹۹] و به‌ویژه در بین زنان (نسبت به مردان)، است [۳؛ ۶۹؛ ۸۷؛ ۹۰]؛ به گونه‌ای که مصرف قلیان زنان و دختران به پدیده یا رفتاری اجتماعی مبدل شده است [۹۸]. بنابراین، با توجه به آمارهای موجود، مطالعه دلایل افزایش مصرف قلیان در چند سال اخیر و از همه مهم‌تر محبوبیت و استقبال جوانان و به‌ویژه دختران و زنان جوان مسئله‌ای درخور تأمل است که به نظر می‌رسد نیازمند مذاقه علمی بیشتر و مطالعه‌ای مجزاست.

از سوی دیگر، همان‌طور که می‌دانیم، دود توتون حاوی بیش از چهار هزار ماده مختلف شیمیایی است که طی فرایند سوختن تولید و با بیش از چهل ماده سرطان‌زا ترکیب می‌شود [۹۶، ص ۲۴]. همچنین، به دلیل غلظت بالای مونوکسیدکربن، نیکوتین، تار و فلزات سنگین [۹۴]، با بیماری‌های بسیاری همچون سرطان دهان، ریه، کاهش عملکرد تنفسی، کاهش

1. reflexivity

2. Hookah-Argihle/ Shisha-Narghile

بارداری و بیماری‌های قلبی عروقی [۳، ص ۴] ارتباط دارد. اما مسئله‌بودن این موضوع زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم به‌رغم آگاهی از آسیب‌های جسمانی متعدد، قلیان به صورت دسته‌جمعی و حتی در برخی موارد به صورت خانوادگی استعمال می‌شود [۳، ص ۸؛ ۵۴].

به‌طور کلی، اعتیاد به قلیان یک مشکل عمده اجتماعی است که علاوه بر آسیب‌های مذکور، سلامت جامعه را از نظر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تهدید می‌کند [۹۹]. با توجه با اینکه مصرف آن بین زنان به طرد اجتماعی شدیدتر، ایجاد نسل معتاد، افزایش احتمال ابتلای افراد خانواده به بیماری‌های هیپاتیت و سل، سقط جنین، کاهش ارتباط با افراد عادی و افزایش ارتباط با معتادان [۹۲] منجر می‌شود، مسئله‌بودن موضوع بین این گروه دوچندان می‌نماید. به‌علاوه، مواد دخانی، همچون قلیان، دروازه مواد مخدر نیز محسوب می‌شوند [۹۱، ص ۴۱۸].

از سوی دیگر، تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی و همچنین تفاوت‌های زیست‌شناختی و فیزیولوژیکی زنان با مردان، به‌خصوص در زمینه علل گرایش به مواد مختلف از یک‌سو و تفاوت واکنش جامعه به مصرف زنان از دیگر سو، مسئله‌بودن مصرف آنان را حادث تر و پیچیده‌تر و ضرورت پرداختن به آن را نیز آشکارتر کرده است [۷۷، ص ۹۷]. این درحالی است که اگرچه در جهان پیشرفت درخور ملاحظه‌ای در درک اعتیاد مردان به انواع مختلف مواد مخدر انجام گرفته، تحقیق درباره مصرف مواد مخدر (به‌طور کلی) در بین دختران و زنان جوان [۵۸، ص ۸۴] و قلیان به‌طور خاص [۳، ص ۱۸۶] مورد غفلت جدی قرار گرفته است.

درنهایت، با توجه به اینکه حدود سی میلیون از جمعیت جامعه ما را جوانان تشکیل می‌دهند [۴۰، ص ۱۳۳] و نظر به کارکرد انکارناپذیر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دختران و زنان جوان در روند تحولات عمومی [۱۰، ص ۱۰۱] و به‌ویژه نگر داشت و بقای خانواده و تربیت نسل آینده، پژوهش حاضر در نظر دارد به مطالعه جامعه‌شناختی مصرف قلیان در بین دختران و زنان جوان شهر شیراز بپردازد. انتخاب شهر شیراز، به‌منزله جامعه مورد مطالعه، از آن روست که این شهر از یک‌سو یکی از کلان‌شهرهای ایران و درگیر فرایند جهانی‌شدن است [۱۸؛ ۱۹؛ ۲۲] و از سوی دیگر به دلیل داشتن صنعت توریسم (با توجه به پیشینه مذهبی، ادبی و تاریخی آن) و همچنین به دلیل ارتباط و مجاورت با کشورهای حاشیه خلیج فارس و استان‌های بوشهر و هرمزگان (که مصرف قلیان به صورت وسیعی از دیرباز در این مناطق رواج داشته است) [۱۵، ص ۳۴۲]، متأثر از تبادل و تغییرات فرهنگی وسیعی است.

ادبیات تجربی و نظری تحقیق

درخصوص تبیین انحراف‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی نظریه‌های مختلفی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی ارائه شده که هر یک می‌توانند بخشی از رفتارشناسی انحرافی را تبیین کنند. برخی از این نظریه‌ها معتقدند هر نوع رفتار نابهنجار کنشگر، به کم و کیف آرایش ۱. نیاز (نیاز به تأیید اجتماعی،

حمایت اجتماعی، تعلق اجتماعی، رابطه اجتماعی، آموزش، تفریح و فراغت)، ۲. انتظار اجتماعی، ۳. فرصت (فرصت مادی، فرصت سیاسی، فرصت اجتماعی و فرصت فرهنگی) و ۴. معنا وابسته است [۲۶، ص ۴۸]. در همین زمینه و با قدری تفاوت، برخی دیگر از نظریه‌ها به عدم تعادل میان دو ساخت اساسی یعنی اهداف و وسایل اشاره کرده [۲۵، ص ۲۷۲] که جامعه را در حالت آنومیک قرار داده و به کج‌روی افراد منجر می‌شوند [۱، ص ۲۲]. از سوی دیگر، نظریه فشار آگنیو وجود دارد که معتقد است سه منبع کلی فشار وجود دارد: ۱. ناکامی در دستیابی به اهداف باارزش از نظر اجتماع، ۲. وقوع حوادث بزرگ و تأثیرگذار از نظر اجتماعی و ۳. تجربه وقوع حوادث منفی از نظر ارزش‌های اجتماعی؛ که در نهایت این فشارها تمایل به کژرفتاری اجتماعی را در فرد ایجاد می‌کنند [۱۷، ص ۱۷۰]. تا حدودی نزدیک به این نظریه، با نظریه استیون گلد روبرو هستیم که برای تبیین اعتیاد، به وضعیت‌شناختی فرد و تعارض در برآورده شدن انتظارات جامعه و خواسته‌های وی اشاره می‌کند. طبق این نظریه، این تعارض به اضطراب منجر می‌شود و افرادی که این اضطراب را ناتوانی در کنترل خود و محیط اطراف تعبیر می‌کنند و احساس می‌کنند که امکان سازگاری با عوامل تنش‌زا وجود ندارد، به مصرف مواد روی می‌آورند [۴۸، ص ۳۸]. آیزن و فیشبین نیز در نظریه اقدام عقلانی خود، نقش نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی و ثابت فرد در گرایش به اعتیاد را بررسی کرده‌اند [۶۷].

گروهی دیگر از نظریه‌پردازان نیز معتقدند که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی، یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم، مانند جنایتکاران، آموخته می‌شود [۵۰، ص ۱۴۰] که در این میان نقش گروه‌های نخستین، به‌ویژه گروه همسالان، را بسیار حائز اهمیت می‌دانند [۱۱۶، ص ۷۷]. از سوی دیگر، گروهی بر کنترل اجتماعی عموم مردم و پیوند فرد با محیط اطراف و جامعه تأکید دارند و آن را با مؤلفه‌هایی چون: دلبستگی، تعهد، مشارکت و درگیری و باور و اعتقاد می‌سنجند [۵۵، ص ۱۲۲]. در همین زمینه، نظریه برچسب‌زنی وجود دارد که بر واکنش رسمی و غیررسمی ناظران اجتماعی نسبت به رفتار اشخاص و آثار بعدی این واکنش متمرکز است [۴۱، ص ۱۶].

در نهایت، پاره‌ای از نظریه‌ها نیز وجود دارند که در تبیین رفتارهای انحرافی به فرایند تغییر اجتماعی جوامع و نقش فرهنگ از زاویه‌های مختلف می‌پردازند؛ مثلاً، نظریه‌پردازان مکتب شیکاگو معتقدند که بین میزان تبهکاری با تأثیر خرده‌فرهنگ‌های محیطی در مناطق معین، رابطه مستقیم وجود دارد. آن‌ها بزهکاران را اساساً موجودات انسانی بهنجاری می‌دانند که محیط در فعالیت‌های غیرقانونی آنان ایفای نقش می‌کند [۶۱، ص ۱۹۹]. کوهن و کلواردو آهلین معتقدند که خرده‌فرهنگ‌های متعدد موجود در جامعه، سبب ایجاد ارزش‌ها و هنجارهایی می‌شوند که به دلیل ناهم‌خوانی با هنجارهای مسلط در جامعه، رفتارکردن براساس آن‌ها انحراف محسوب می‌شود [۲۳، ص ۱۴]. مثلاً، هم‌سو با این نظریه‌ها، میلر و ماتزا به نقش خرده‌فرهنگ در اعتیاد و مکانیسم این تأثیرگذاری پرداخته‌اند [۶۳، ص ۳۲۷]. در حالی که کنش

متقابل‌گرایان در بررسی رفتارهای انحرافی، همچون اعتیاد، به نقش تغییر هویت، در پیدایش، ادامه و خاتمه آن پرداخته‌اند.

طیف دیگری از نظریه‌ها، همچون نظریه دورکیم، به گسترش آنومی و بی‌هنجاری سازمانی در ایجاد انحراف اشاره می‌کند که در آن هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر فرد از دست می‌دهند [۱۶۷، ص ۳۵]. در چنین شرایطی، افراد دیگر برای اقتدار اخلاقی جامعه احترام‌قائل نیستند و تأثیر آن بر ایشان ناچیز است [۵۰، ص ۵۷۱]. مثلاً هم‌سو با این نظریه‌ها، می‌توان به جابه‌جایی و تغییر ارزش‌ها از سنتی و مذهبی به سمت ارزش‌های مادی و مدرن و افزایش نفوذ مفاهیمی همچون رقابت، نفع شخصی، تجملات، مادی‌گرایی و کاهش ارتباطات اجتماعی اشاره کرد که به قاعده جاری جامعه ایران تبدیل شده است و در چنین موقعیت آنومیکی‌ای، انحرافات اجتماعی نیز روند افزایشی داشته است [۳۰، ص ۲۴۴].

در حوزه ادبیات تجربی مرتبط با موضوع نیز، نتایج حاصل از جست‌وجو در پایگاه‌های معتبر و علمی داخلی نشان‌دهنده آن است که عموم تحقیقات به بررسی اعتیاد زنان به مواد مخدر (و نه مواد دخانی) پرداخته‌اند که در این میان نیز، تعداد زیادی صرفاً به بررسی اپیدمیولوژیک اعتیاد زنان [۵؛ ۷؛ ۲۸؛ ۶۰] توجه داشته‌اند. افزون بر آن، تحقیقاتی نیز، که با رویکردی جامعه‌شناختی به مطالعه اعتیاد زنان پرداخته‌اند، اندک بوده و بیشتر بر عوامل زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی مانند: سن، تحصیلات، جنس، درآمد و مانند آن [۹؛ ۱۲؛ ۱۷؛ ۲۳؛ ۵۶؛ ۵۹] و یا برخی عوامل پرتکرار مانند: سابقه مصرف مواد در خانواده، وجود تنش در زندگی و ارتباط با دوستان معتاد [۸؛ ۹؛ ۱۲؛ ۱۷؛ ۲۳؛ ۲۷؛ ۳۴؛ ۳۸؛ ۴۷؛ ۵۸؛ ۵۹] متمرکز بوده‌اند.

درنهایت، تعداد بسیار معدودی از تحقیقات نیز وجود دارند که به عوامل متمایزی چون: احساس شادمانی- پریشانی و سرخوشی [۵۹]، ناتوانی در برابر اعمال فشار جامعه، فقدان توانمندی در زنان برای رویارویی با شرایط سخت [۴۷]؛ ضعف کنترل اجتماعی، ضعف اعتقادات مذهبی [۵۸]؛ ضعف آگاهی زنان و تغییر هویت زنان [۹] پرداخته‌اند. عموم تحقیقات خارجی موجود نیز به بررسی راه‌های پیشگیری از اعتیاد زنان [۱۰۷؛ ۸۸]، موانع درمان [۱۱۳؛ ۷۲]، آزمون راه‌های مختلف درمان با رویکردهای مختلفی چون افزایش نقش معنویت و مذهب [۷۱] و همچنین پیامدهای اعتیاد در زنان چون: خشونت و همسرآزاری [۶۴] و مشکلات بارداری [۸۵] پرداخته‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، یکی از حوزه‌های مغفول در تحقیقات داخلی و خارجی، مصرف قلیان است. شایان ذکر است که بیشتر تحقیقات انجام‌گرفته با این عنوان، که تعداد آن‌ها به انگشتان دست هم نمی‌رسد، در حوزه پزشکی بوده [۱۵؛ ۲۴] که عموماً با هدف بررسی میزان شیوع مصرف انجام گرفته‌اند [۳۹؛ ۶۹]. در کنار آن، به متغیرهای جمعیت‌شناختی مؤثر همانند سن، جنس، سطح تحصیلات، محل سکونت و مانند آن نیز اشاره نشده است [۳؛ ۱۳؛ ۵۴]. بنابراین، می‌توان گفت در این مطالعات، نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی کمتر تحلیل و

بررسی شده و فقط در پاره‌ای از موارد به مطالعه برخی متغیرهای پرتکرار چون: لذت‌گرایی ناشی از مصرف قلیان‌های طعم‌دار [۵۴؛ ۳؛ ۱۵؛ ۱۱۱؛ ۹۳]، ارزانی نسبی، دسترسی آسان [۳؛ ۱۵؛ ۹۳؛ ۱۱۰]، نبود برنامه‌های آموزشی علیه قلیان و ضعف آگاهی [۳]، نگرش مثبت به مصرف قلیان [۱۵]، کمبود حمایت عاطفی خانواده [۱۳]، مصرف خانواده و فشار اجتماعی دوستان [۱۳؛ ۱۵؛ ۲۴؛ ۵۴؛ ۱۰۸] و نداشتن سرگرمی‌های سالم [۱۵؛ ۲۴] بسنده شده است. به علاوه، بیشتر این مطالعات به گروه دانش‌آموزان [۳۹؛ ۶۸] و دانشجویان [۲۴؛ ۱۰۸؛ ۱۱۰] اختصاص داشته و تاکنون تحقیقی به صورت مجزا جامعه زنان و دختران را بررسی نکرده است. از سوی دیگر، بیشتر تحقیقات خارجی به کشورهای ناحیه شرق مدیترانه و عربی مربوط بوده و تحقیقات داخلی نیز بیشتر بر استان‌های هرمزگان و بندرعباس متمرکز بوده‌اند. همچنین، عموم پژوهش‌های کمی موجود فاقد چارچوب تئوریک بوده و علاوه بر آن در فرایند بررسی تأثیرگذاری‌های خود، از نوع تأثیر متغیرها (مستقیم و غیرمستقیم) و نقش عوامل میانجی غفلت شده است. ضمن آنکه بیشتر این مطالعات، که با رویکردی کمی و پرسش‌نامه‌ای انجام گرفته‌اند، تعدادی متغیر مستقل را بر مصرف قلیان تحمیل کرده‌اند. درحالی‌که پژوهش کیفی به دلیل پروراندن نظریه از میدان مطالعه (پس از مصاحبه و مشاهده میدانی)، کمتر با کاستی‌های روش‌شناختی مذکور یا عدم ارتباط چارچوب نظری با متغیرهای تحقیق مواجه است. از این‌رو، با توجه به خلأ جدی پژوهش در حوزه مصرف قلیان و نیز با توجه به کاستی‌های موجود در تحقیقات انجام‌گرفته، تحقیق حاضر در نظر دارد به بررسی کیفی این پدیده در بین دختران و زنان جوان شهر شیراز بپردازد.

روش پژوهش

نظر به اینکه درک عمیق و جامع الگوهای پدیدارها رسالت پژوهش کیفی است، تحقیق حاضر نیز با رویکرد کیفی و برپایه نظریه مبنايي و استفاده از مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین به دنبال مطالعه عمیق شرایط علی و زمینه‌ای و کنش‌ها و پیامدهای مصرف قلیان در بین دختران و زنان جوان است. بنابراین، این روش بیش از آنکه تعمیمی باشد، مبتنی بر منطق استقرایی و به دنبال ایجاد یا توسعه نظریه‌های قبلی برای پوشش‌دهی [۱۱۵، ص ۲۴] به این موضوع است. بنابراین، در این تحقیق، برخلاف فرایند پژوهش خطی و به جای پیش‌فرض‌های نظری، داده‌ها و میدان مطالعه‌شده در اولویت قرار گرفته [۴۳، ص ۱۰۸] و به صورت گردبادی یا دورانی بین یافته‌های تحقیق و پرسش‌ها و مصاحبه‌ها رفت و برگشت وجود داشته تا بهترین و دقیق‌ترین مفاهیم استخراج شود [۱۱۵، ص ۲۴]. از این‌رو، مطابق فرایند روش‌شناختی مذکور، طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، نخست از دل تعداد زیاد انواع داده‌های اولیه، کدهای مرتبط با موضوع مشخص شدند. سپس، به شیوه مقایسه مداوم از دل

چندین کد، یک مفهوم استخراج شد و به همین شیوه سایر کدها نیز به مفاهیم تبدیل شدند. در مرحله بعد نیز، هر چند مفهوم در قالب یک مقوله قرار گرفتند که از میان مقولات موجود مقوله «سبک زندگی مخاطره آمیز» به منزله مقوله مرکزی شناسایی شد.

جامعه مطالعه شده در این تحقیق، دختران و زنان جوان ساکن شهر شیراز در سال ۱۳۹۳ هستند که تجربه مصرف قلیان را داشته‌اند. نمونه‌گیری استفاده شده در این تحقیق، غیراحتمالی و با روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و نمونه‌گیری نظری^۲ است. همچنین از آنجا که حجم نمونه در تحقیقات کیفی به شدت با سطح اشباع داده‌ها^۳ ارتباط دارد، بنابراین حجم نمونه تحقیق کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نبود. در نتیجه، در تحقیق حاضر، تکرار داده‌های جمع‌آوری شده قبلی مشخص کننده تعداد نمونه‌های لازم برای تحقیق بود. بنابراین، با ۳۷ نفر از دختران و زنان جوان مصاحبه شد. با توجه به «منطق نمونه‌گیری کیفی»، معیار ورود به «نمونه» نیز داشتن تجربه مصرف قلیان و تمایل به بیان آن در قالب مصاحبه بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۴ و تعاملی^۵ استفاده شد. این نوع مصاحبه، به دلیل «انعطاف‌پذیری» و عمیق بودن آن، برای پژوهش‌های کیفی از این دست مناسب است. به علاوه، از این دو روش برای نظم‌دهی یا ساخت‌دهی مجدد به نظریه‌های ذهنی استفاده می‌شود.

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشتر پاسخ‌گویان مدرک لیسانس (۴۶درصد) و سپس دیپلم یا زیر دیپلم (۲۴درصد) و فوق لیسانس و بالاتر (۲۲درصد) دارند. نزدیک به نیمی از پاسخ‌گویان شاغل‌اند که در این میان، بیشتر در وضعیت «اشتغال به تحصیل» هستند و بیش از نیمی از آنان نیز مجردند.

جدول ۱. مشخصات کلی پاسخ‌گویان

وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
شاغل	۱۸	۴۸٫۵	دیپلم و زیر دیپلم	۹	۲۴
غیرشاغل	۱۹	۵۱٫۵	فوق دیپلم	۳	۸
وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	لیسانس	۱۷	۴۶
مجرد	۲۲	۵۹٫۵	فوق لیسانس و بالاتر	۸	۲۲
متأهل	۱۵	۴۰٫۵	-	-	-
کل	۳۷	۱۰۰	کل	۳۷	۱۰۰

1. purposive sampling
2. theoretical sampling
3. data saturation
4. semi-structure interview
5. interactive

داده‌ها و یافته‌ها

لذت‌گرایی

تینا ۲۰ ساله و دانشجوی سال اول مهندسی مکانیک می‌گوید:

دنیا دو روزه. می‌خوام تا می‌تونم خوش بگذروم. لذتی که توی هر کام که از قلیون می‌گیرم اون قدر زیاده که نمی‌خوام با هیچی عوضش کنم. از این همه خوشی و لذت بگذرم که به کجا برسم؟ چرا الکی خودم رو مدیون دلم بکنم؟...

سرکوب پرسش‌های اخلاقی که در زندگی روزمره مطرح می‌شوند (هدف از زندگی، تکامل انسان، تقویت معنویت، مبارزه با نفس و مانند آن) و بدون پاسخ باقی ماندن آن‌ها و همچنین نمایاندن تصویری از زندگی بر بنیان لذت، خوشی و هوس، در عصر مدرن و جهانی شدن، موجب احساس بیهودگی شخصی- یا این احساس که زندگی چیز ارزشمندی برای ارائه ندارد- می‌شود [۵۱، ص ۱۹] که در نهایت موجب می‌شود سوژه تصویری مادی و دنیوی از زندگی دریافت کند که در آن صرفاً وظیفه دارد با استفاده از روش‌های مختلف و هر مکانیسمی (مانند مصرف قلیان) خوش‌گذرانی کند.

بنابراین، می‌توان گفت دنیای مدرن، که مبتنی بر باورهای لذت‌گرایی و مادی‌گرایی است، کانون توجه افراد را از مسائل اخلاقی به مسائل مادی و دنیوی و کوتاه‌مدت مانند: بدن و زیبایی، تجمل‌گرایی، سرگرمی‌های مبتذل و انجام‌دادن فعالیت‌های فراغتی بی‌هدف همانند مصرف سیگار و مشروبات الکلی معطوف داشته است [۶، ص ۸۸] در اینجا، از نظر سوژه، قلیان کشیدن یک هدف وسوسه‌انگیز و جذاب^۱ است که محرک و مشوقی مهم در مصرف محسوب می‌شود.

تجدد‌گرایی

فریبا ۲۴ ساله و دانشجوی رشته سینما می‌گوید:

به نظرم کسی که قلیون می‌کشد به چیزایی حالیشه که بقیه حالی‌شون نیست. البته تو جامعه ما اول پیپ شخصیت می‌آره. سیگار بیشتر تو رو فراری و خلافکار نشون می‌ده تا متجدد!! البته فقط کشیدن پیپ و قلیون ملاک نیست، باید باهش بلد باشی پُز روشن‌فکری بدی؛ وگرنه فقط شخصیت خودت رو خراب کردی؛ مثلاً کسی که می‌خواد کلاس بذاره کمتر می‌ره سراغ قلیون کازرونی با تنباکوی برازجونی!! بیشتر بچه‌دانشجوها با کلاس، قلیون میوه‌ای رو با پُز روشن‌فکری و اداهای مخصوص به خودش می‌کشن.

1. a suitable target

می‌توان گفت مصرف قلیان نوعی کاربست فرهنگی-اجتماعی دارد و از جهت بنا کردن تمایزات میان گروه‌های اجتماعی واجد اهمیت است. درواقع، در میان برخی از سوژه‌ها، مصرف قلیان نوعی «ادا» و «نقش بازی کردن» است که از طریق آن «متجدد» و «روشن‌فکر بودن» افراد نشان داده می‌شود. درواقع، مصرف قلیان به‌منزله یکی از عناصر سازنده سبک زندگی افراد، موجب خلق تمایز بین سوژه و عامه زنان و دختران، پذیرش از جانب «دیگران مهم» و افرادی می‌شود که برای آنان نقش الگو دارد. از نظر این گروه از افراد، این تمایز به معنای دسته‌بندی اجتماعی است که آنان را در درون نظام سلسله‌مراتبی روابط اجتماعی در جایگاهی بالا و در کنار افراد مدرن، تحصیل کرده، روشن‌فکر و متجدد قرار می‌دهد.

بر همین اساس، گفته می‌شود که در جهان مدرن، سبک‌های زندگی (و مصرف قلیان به‌منزله یکی از الگوهای مصرف و عنصر سبک زندگی) به ما کمک می‌کنند نگرش‌ها و ارزش‌های خود را مشخص و تعریف کنیم و همچنین ثروت و پایگاه اجتماعی خود را نشان دهیم [۷۵]. درحقیقت، به تعبیر گیدنز «سبک زندگی مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع از عملکردهاست که فرد آن‌ها را به‌کار می‌گیرد؛ چون نه‌فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می‌سازد» [۵۱، ص ۱۲۰]. بنابراین، حتی «نوع» قلیان مصرفی (میوه‌ای یا برازجانی) استعاره‌ای از انواع متفاوتی از سبک زندگی و هویت نزد جوانان است.

تغییر الگوی گذران فراغت

نسرین ۲۸ ساله و بیکار می‌گوید:

الان جوون‌ها تفریح براشون یعنی با دوست‌های کله‌خراب بشینی قلیون چاق کردن و هی پاسور یا تخته نرد بازی کنی! حوصله وقت‌گذرونی با فامیل‌ها و خاله‌زنک‌بازی‌هاشون رو ندارم. یا اینکه توی خونه بشینم پای خیاطی‌کردن و هنرهای آشپزی رو یاد گرفتن!!! بهترین تفریح برای من اینه که با دوستانم یه قلیون چاق کنیم و بذاریم وسط و کلی تعریف کنیم و بخندیم. این‌جوری اصلاً نمی‌فهمی چطور چند ساعت گذشته!

در جریان آگاهی از پیام‌های مختلف جهانی‌شدن، نوعی گفت‌وگو بین فرهنگ‌ها شکل می‌گیرد که به نوگرایی و گسست پدیده مدرن از پدیده سنتی منجر شده [۵۳، ص ۹۸] که در نتیجه آن سنت‌ها بیش از پیش معنای خود را از دست می‌دهند [۵۳، ص ۶۳]. این بدان معناست که افراد لزوماً دیگر از همان سنت‌هایی که جامعه محل زندگی‌شان برایشان تعیین کرده پیروی نمی‌کنند [۵۳، ص ۵۰]. الگوهای سنتی موجود در گذراندن اوقات فراغت دختران و زنان، که شامل گذران اوقات فراغت همراه با اعضای خانواده، در درون منزل و به شکل سنتی

(یادگیری فعالیت‌های خانه‌داری، انجام‌دادن کارهای منزل و دیدار از خویشاوندان) بود، از مواردی است که مورد بازنگری جدی قرار گرفته است، زیرا به موازات آنکه هویت جوانان بیشتر به فرهنگ‌های دیگر و به‌ویژه فرهنگ غربی سوق می‌یابد، پیوندها و همبستگی آن‌ها نیز با خانواده و فرهنگ سنتی فراغتی بیشتر گسسته می‌شود [۶۸؛ ۶۹، ص ۵۴۰] و به دنبال گذران فراغت به شکلی مدرن، خارج از فضای خانه، آزادانه و با محوریت گروه‌های دوستی هستند.

دوست‌محوری

ستاره ۲۵ ساله و فارغ‌التحصیل رشته گرافیک می‌گوید:

قدرت مخزنی دوست‌هام حرف نداره. می‌گفتن معتاد نمی‌شی، یکم جوونی و عشق و حال عیب نداره... راستش تکی اصلاً نمی‌کشم. قلیون دورهمی و تو جمع اون‌ها حال می‌ده!! تنهایی تا پیام بساطش رو مهیا کنم، هوشش از سرم می‌پره.

فاطمه ۲۲ ساله و مغازه‌دار می‌گوید:

بستگی داره با کدوم اکیپ از دوست‌هام برم بیرون. اگر برم بلوار چمران یا رستوران‌های خیابون‌های عقیف‌آباد و خلد برین، که اونجا جوون‌های پایه قلیون زیاده و ما هم قلیون می‌زنیم. اگر هم پایه دوست‌های هنرمند باشم، که باهاشون می‌رم کافه هدایت، کافه فردوسی، شربت‌خونه و این جور جاها، که بیشتر سیگار تو کارشونه! اصولاً هرچی دوست‌هام بگن پایه‌م!!!

تغییر الگوهای زندگی روزمره و اوقات فراغت، دختران و زنان جوان را از خانه و خانواده خود دور می‌کند. بدیهی است که این فاصله موجب کاهش کنترل‌های اجتماعی غیررسمی و نظارت‌های اجتماع سنتی می‌شود که عامل محافظت کارآمدند [۱۰۵، ص ۳۸]. از سوی دیگر، این تغییرات، دختران و زنان جوان را به تعامل با گروه‌های دوستی که مصرف قلیان را به‌منزله امری بهنجار و نوعی تفریح تلقی می‌کنند، سوق می‌دهد.

برابری گرایي

معصومه ۲۷ ساله و شاغل می‌گوید:

توی هیچ کاری از کار تا تفریح و قلیون کشیدن واسه خودم محدودیتی نداشتم! نمی‌خوام جلوی سخت‌گیری‌های خانواده و جامعه کوتاه بیام. بزار همه بفهمن که حرف‌هایی مثل اینکه زن‌ها ترسو و کم‌دل و جرأت هستن، زن‌ها عرضه ندارن، حق خوش‌گذرونی ندارن و این‌ها دیگه خریدار نداره.

همان‌طور که می‌دانیم، انسان محصور در روابط و باورها یا «عادت‌واره»هایی است که مستقیماً با نظام قشربندی و لایه‌بندی اجتماعی در ارتباط است [۱۶، ص ۸۷]. بنابراین، می‌توان گفت عادت‌واره افراد در هر حوزه‌ای از مصرف نیز تابعی از ترجیحات سوژه است و در ارتباط با تعریف او از زندگی شخصی، هویت و موقعیت طبقاتی اوست. از همین رو، مصرف‌قلیان نیز امری اجتماعی و مصرف آن متأثر از مسائل متفاوتی همچون نابرابری طبقاتی و جنسیتی است.

فشار و درماندگی

لادن ۲۹ ساله، فوق‌لیسانس رشته معماری و بیکار می‌گوید:

سرکوفت‌های هر روز خانواده‌م که می‌گن دختره فلانی که درس خونده ماهی این‌قد تومن درمی‌آره. دختره فلانی هم که درس نخونده با یه دکتر ازدواج کرده و خونه و زندگی‌ش ال و بل هستش - برام کابوس شده... تا دلم می‌گیره قلیون چاق می‌کنم.

دنیای مدرن، که مبتنی بر باورهای دنیاگرایی و مادی‌گرایی است، با ترویج سبک‌های زندگی مادی‌گرایانه موجب ایجاد حرص و ولع در رقابت و کسب این نوع سبک زندگی شده و امنیت وجودی افراد را، که وضعیت ذهنی راحت و مناسب است، به خطر انداخته است [۶، ص ۲۵]. از سوی دیگر، نفوذ و رواج این ارزش‌های اجتماعی و مدرن، فشارهایی را هم از بُعد روان‌شناختی و فردی و هم اجتماعی بر افراد وارد می‌کند که موجب احساس بی‌قدرتی^۱ و خلع‌ید می‌شود. این تجربه خلع‌ید، همیشه با اهداف، طرح‌ها یا آرزوهای شخص و همچنین با ترکیب خاص دنیای پدیداری فرد مرتبط است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت هویت فرد، که عبارت است از خود و ساخته و پرداخته ظرف زمان و مکان است، در گروی موفقیت مادی و سبک زندگی بصری قرار می‌گیرد [۸۱]. این امر باعث می‌شود آنچه از فرد باقی بماند در عمل پوک و ناصصل باشد [۵۳، ص ۹۸] و احساس «بلعیده‌شدن»^۲ را در سوژه ایجاد کند که درنهایت با بی‌هنجاری‌های اجتماعی چون اعتیاد به مواد مخدر، الکلیسم و مصرف قلیان پیوند می‌یابد.

مجاورت خانوادگی

سمیرا ۳۰ ساله و بیکار می‌گوید:

چون تو خانواده‌مون از قبل بود، مثل بعضی بچه‌ها نترسیدم و فکر نمی‌کردم که معتاد بشم یا چیزی خطرناک باشه. از طرف خانواده‌م هم هیچ‌وقت به‌خاطر اون دعوای بدی نشدم.

1. powerlessness
2. engulfment

سوژه‌هایی که در سبک‌های زندگی خانوادگی که مصرف‌کننده‌اند درگیرند، در مقایسه با جوانانی که کمتر در سبک‌های زندگی پرخطر مشارکت دارند، بیشتر درگیر رفتارهای نابهنجار می‌شوند [۶۵؛ ۱۰۵، ص ۷۷]. بنابراین، قرار گرفتن در خانواده‌هایی که مصرف مواد دخانی، چون قلیان، نوعی الگوی گذران اوقات فراغت، آداب پذیرایی از میهمان و وسیله تفریح تلقی می‌شود، عاملی مهم و مداخله‌گر در مصرف قلیان است.

مجاورت مکانی

آرزو ۲۳ ساله و دانشجوی رشته مدیریت آموزشی می‌گوید:

کلاً قلیون رو چه توی فضای باز و دامن طبیعت، چه رستوران، حتی کنار خونواده‌های دیگه (که خودشون قلیون می‌کشن) و تو بوستان‌ها و پارک‌ها می‌شه استفاده کرد. برای همین چیز بدی به نظرم نمی‌آد! ولی برای سیگار کشیدن باید بری کافه‌های اِسموکی (کافی‌شاپ‌های خفن که یا زیرزمینه یا تو کوچه پس‌کوچه‌ها و جاهای پرتی که فقط جوون‌ها بلدن).

نظریه‌های سبک زندگی و فعالیت روزمره برای تبیین رفتارهای نابهنجار بر موقعیت‌های^۱ موجود [۴۷، ص ۱۰۵] و گیدنز نیز بر محیط‌های آکنده از خطرهای نهادینه‌شده تأکید می‌گذارند [۵۰، ص ۱۵۸]. به عبارت دیگر، مجاورت یا قرار گرفتن در محیط‌هایی که در آن قلیان امری بهنجار و عادی نشان داده می‌شود و امکانات دسترسی آسان و بدون استرس به قلیان، در فضایی باز، با قیمت‌های نازل، با سرویس خدماتی مناسب و قلیان‌هایی با طعم‌های مختلف را فراهم می‌آورد، عاملی زمینه‌ای در ایجاد نگرش مثبت و انگیزه برای مصرف قلیان محسوب می‌شود.

فقدان مانع و سرپرست^۲

لاله ۲۷ ساله و بیکار می‌گوید:

تا حالا نگاه کسی اذیتم نکرده. مردم درباره کسی که سیگار می‌کشد حرف بد زیاد می‌زنن، اما در مورد قلیون کشیدن دخترها این حرف‌ها رو نمی‌زنن. اگر هم بعضی‌ها دید خوبی نداشته باشن، دیگه در این حد بدگویی نمی‌کنن.

پذیرش اجتماعی مصرف قلیان در بین برخی اقشار جامعه به نبود مانع و نظارت در مصرف قلیان اشاره دارد. به عبارت دیگر، در این موارد، شاهد وجود عامل تسهیل‌گر و زمینه‌ساز (چیزی فراتر از فقدان مانع) در مصرف قلیان هستیم که هم‌سو با هنجارهای فرهنگی مدرن که در

1. situational.

2. the lack of a suitable guardian to prevent the deviation from happening

جریان جهانی شدن فرهنگی در بین مردم نفوذ یافته‌اند، بستر مصرف‌قلیان در بین جوانان را فراهم کرده است. فلسون و کوهن نیز معتقدند که برخی انحراف‌ها (در اینجا مصرف‌قلیان) در نتیجه تضعیف مراقبت و کنترل اجتماعی است [۸۰، ص ۱۱۵].

تجربه و درک از مصرف‌قلیان

بخش پیشین معطوف به زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی بود که نقش سائق یا تعیین‌بخش کنش‌عاملان را برعهده داشت. بخش حاضر به دنبال ارائه توصیفی ژرف از راهبردها یا استراتژی‌ها از سوی کنشگرانی است که تجربه مصرف‌قلیان داشته‌اند.

تداوم مصرف به شکل پنهان

فرانک ۳۰ ساله و شاغل می‌گوید:

قلیون برام یه بخشی از تفریح و دورهمی‌های دوستانه‌س. اما همیشه سعی می‌کنم دور از چشم خونواده‌م و فامیل‌ها مصرف کنم. نمی‌خوام بابت یه مسئله کم‌اهمیت و عادی یه جنجال به پا کنم.

در برخی موارد، مقاومت ساختاری برخی از افراد در جامعه سنتی (مانند خانواده) و چالش و منازعات ناشی از تقابل بین این دو فرهنگ، فرد را در وضعیتی قرار داده که ترجیح می‌دهد به شکلی پنهان به روند مصرفی خود ادامه دهد.

تداوم مصرف به شکل آشکار

هانیه ۱۸ ساله و دانش‌آموز می‌گوید:

جلوی مامان و بابام از قلیونشون می‌کشم که بفهمن حرف زور رو من اثر نداره. توی جمع پسرها و دخترهای رفیقم هم می‌کشم چون می‌دونم این جووری کلاسم بیشتره.

براساس نظریه فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی، تکرار مجدد انحراف به دلیل فقدان مجازات و سخت‌گیری اجتماعی، در دسترس بودن و مجاورت با جرم و مواردی از این دست اتفاق خواهد افتاد [۸۰، ص ۲۴]. همچنین، هرچه سوژه متأثر از جریان‌های جهانی بازاندیش‌تر باشد، میزان نابهنجاری در وی به صورت علنی و آشکارتر ادامه می‌یابد. بنابراین، با توجه به کارکرد مصرفی و نظام معنایی ناشی از مصرف‌قلیان برای برخی از افراد که نماد عاملیت بالا، آزادی عمل و استقلال یا تجدد و هویت مدرن و در برخی موارد نیز نماد اعتراض به هنجارهای سنتی و شکستن آن‌هاست، طبیعی است که مصرف آن به صورتی آشکار و در انتظار دیگران تداوم یابد.

ترک مصرف

فروردین ۲۶ ساله و بیکار می‌گوید:

یکی دو سال قلیون می‌کشیدم. الان می‌گم واقعاً مسخره‌س. ماه‌ها پیش خودمون فکر می‌کنیم کلاسه و نشوئه جوونی و باحال بودنه. ولی هنوز تو نگاه بیشتر مردم امثال ماها معتاد، غربتی و بی‌خونواده هستیم. دوس نداشتم کسی در مورد شخصیت و خونواده‌م این جور قضاوت بکنه.

به تعبیر گیدنز، در عصر حاضر، بازاندیشی^۱ مداوم در همه عرصه‌های زندگی اتفاق می‌افتد [۵۰، ص ۳۸]. افزون بر آن، در این عصر، بازاندیشی درباره خود بازاندیشی نیز پیوسته در حال انجام است [۵۳، ص ۴۲]. بنابراین، در برخی موارد سوژه به دنبال کسب آگاهی جدید بازاندیشی و قلیان را ترک می‌کند. این در حالی است که مصرف قلیان خود قبلاً در نتیجه بازاندیشی در سبک کلی زندگی و بازنگری در نظام معنایی فرد رخ داده است.

تشدید و تغییر الگوی مصرف

نازگل ۲۶ ساله و بیکار می‌گوید:

بعد یه مدت کوتاهی که تفننی می‌کشیدم، الان دیگه برنامه روزانه‌م شده. الان خیلی وقته که علاوه بر قلیون، مشروب و سیگار رو هم توی برنامه حتماً دارم.

ادامه مصرف قلیان با شدت بیشتر و افزودن مواد دخانی و الکلی به الگوی مصرف قبلی، به‌رغم آگاهی از خطرهای مسلم آن برای سلامتی، شاید نشانه نوعی بی‌باکی است که ممکن است فقط از نظر روانی فرد را اقناع کند [۸۴، ص ۱۷۸]. همان‌طور که می‌دانیم، انسان مدرن همواره در معرض انواع شوک‌های فرهنگی قرار دارد [۵۳، ص ۶۰]. تغییرات این عصر ناظر بر به وجود آمدن جامعه‌ای ریسکی است که از پایان طبیعت و پایان سنت متأثر است [۸۴، ص ۱۲]. ریسک تولیدشده در این دوران به تغییر اجتماعی در جامعه اطلاعاتی براساس درجه بازاندیشی بالا مرتبط است [۱۱، ص ۱۸۲].

آثار و پیامدهای مصرف قلیان

گسترش ناهنجاری و آسیب

فرزانه ۲۸ ساله و پرستار می‌گوید:

بعد یه مدتی که قلیون کشیدم، بهش وابسته شدم. ولی توی خونه نمی‌تونستم

1. reflexivity

بساطش رو فراهم کنم. به همین خاطر طرف سیگار رفتم. الان به روزی پنج شیش نخ سیگار رسیدم. به بهونه قلیون کشیدن و دورهمی‌ها رابطه‌م با پسرها هم زیاد شده و توی پارتی‌هاشون چند باری علاوه بر قلیون مشروب هم خوردم.

گسترش دامنه ناپهنجاری‌ها از مصرف مواد دخانی چون قلیان به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و افزوده شدن آسیب‌های اجتماعی مانند: دوستی با جنس مخالف، روابط خارج از پیمان زناشویی، افت تحصیلی، اعتیاد سایر اعضای خانواده و به‌ویژه فرزندان و افزایش دعواهای خانوادگی و مواردی از این قبیل، از پیامدهای مصرف قلیان است.

طرد و داغ بی‌اعتباری^۱

راحله ۲۴ ساله و دانشجوی مدیریت بازرگانی می‌گوید:

با بابام کلاً رابطه‌م قطع شده. وقتی می‌رم خونه خواهرهام محلم نمی‌دارن و معتاد صدام می‌زنن.

در تحلیل این وضعیت می‌توان گفت فرایند فرهنگ‌پذیری و الگوبرداری از فرهنگ مدرن ممکن است در تقابل با اصول هنجاری و سنتی جامعه باشد. این امر می‌تواند فشار یا تعارض بین دو فرهنگ رقیب را افزایش دهد [۱۰۳، ص ۷۱] که درنهایت با مقاومت نهادهای سنتی و از جمله کاهش حمایت خانواده، به طرد اجتماعی و داغ بی‌اعتباری سوژه نیز می‌انجامد [۱۱۹، ص ۱۰].

پشیمانی و احساس گناه

طاهره ۲۳ ساله و دانشجو می‌گوید:

از وقتی که خانواده‌م فهمیدن که می‌رم توی جمع بعضی دخترها و پسرها و باهاشون قلیون و سیگار می‌کشم، خیلی شرمنده و خجالت‌زده شدم. واقعاً نمی‌دونستم چه جوابی بهشون بدم. آخه من دردی نداشتم که با اون بچه‌ها نشستم پای قلیون.

در برخی موارد، برخورد جامعه با فرد ناپهنجار و کج‌رو برخوردی توأم با درک احساس و ایجاد احساس تقصیر در سوژه است که البته درنهایت به دلیل دریافت حمایت‌های اجتماعی لازم این احساس پشیمانی مفید و موجب بازاندیشی سوژه و بازگشت وی به جمع هم‌نویان است [۳۶، ص ۲۲].

1. stigma

نظریهٔ مبنایی و مقولهٔ هسته: سبک زندگی مخاطره‌آمیز

سبک زندگی و فعالیت‌های گروه‌های مختلف از افراد، آن‌ها را در محیط‌ها یا وضعیت‌هایی قرار می‌دهد که در ارتباط کم یا زیاد با منحرفان بالقوه و تجربهٔ بالقوهٔ قربانی شدن قرار می‌گیرند [۸۳]. در حقیقت، در برخی الگوهای سبک زندگی، هم‌گرایی زمانی و مکانی سوژه‌های تحریک‌شده، وجود جذابیت و وسوسه در هدف و غیبت ناظران، شرایط ضروری برای کج‌رفتاری و انحراف را فراهم می‌کند [۷۹؛ ۸۰]. اصل مهم در این سبک‌های زندگی، تغییر فعالیت‌های روزانه است که در آن فرصت‌های ارتکاب به رفتارهای نابهنجار افزایش می‌یابد [۷۹، ص ۵۹۱].

همان‌طور که می‌دانیم، فعالیت‌های روزانه شامل هر فعالیت بازخ‌دهنده و مرسوم می‌شود (مانند شغل، ایفای الگوی نقش جنسیتی، سرگرمی و تفریح، کنش و پیوندهای اجتماعی، آموزش و فراگیری، الگوی خواب، خوراک و...) که برای تأمین نیازهای اساسی و بنیادی افراد، در خانه یا محل کار (و صرف‌نظر از منشأ زیستی یا فرهنگی آن‌ها) انجام می‌شود [۷۹، ص ۵۹۱]. بنابراین، فعالیت‌های روزانه ابزارهایی هستند که افراد برای ارضای نیازهای خود از آن‌ها استفاده می‌کنند و خاص سبک زندگی‌شان است [۱۰۹، ص ۲۸]. سبک زندگی نیز کلیهٔ فعالیت‌های الزامی، اجباری و همچنین فعالیت‌های احتیاطی است که افراد به‌صورت روزانه در آن درگیرند [همان].

می‌توان تغییر سبک زندگی و فعالیت‌های روزانه را، که شامل تغییر در دامنهٔ وسیعی از کنش‌هاست، در رابطه با پدیدهٔ جهانی شدن فرهنگی^۱ (جنبهٔ کاملاً بنیادی‌تر جهانی شدن که در پشت هر یک از بُعدهای نهادی‌شدهٔ آن قرار دارد [۱۴، ص ۳۶] تحلیل کرد، زیرا جهانی شدن فرهنگی، فرهنگ محلی و محتوای زندگی محلی را مورد تهاجم قرار می‌دهد و ما را مجبور می‌کند تا به صورتی بازتر، انعطاف‌پذیرتر و فردی‌تر زندگی کنیم [۸۴، ص ۳۶]. به عبارت دیگر، این فرایند، که در سطح کلان قرار دارد، از طریق متغیرهایی چون: سبک زندگی که در سطح میانی قرار دارد، حتی روی رفتارهای فردی ما نیز اثر می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد [۲۲، ص ۱۵۱].

بر همین اساس، می‌توان مصرف قلیان و سیگار را به‌منزلهٔ یکی از رفتارهای فردی در حال افزایش با الهام از نظریه‌های کوهن، فلسون و گیدنز و در قالب تغییر الگوی فعالیت‌های روزانه و سبک زندگی و در سطحی کلان‌تر، در ارتباط با جهانی شدن فرهنگی، مورد تحلیل و مذاقه قرار داد، زیرا می‌توان مسیر روییدن مقولهٔ هستهٔ این پژوهش تحت عنوان «سبک زندگی مخاطره‌آمیز» را از دل داده‌های زمینه و مقولات محوری پژوهش پی گرفت و به انتزاعی‌ترین نحو ممکن به پرسش‌های زمینه‌ای، تعاملی و پیامدی مصرف قلیان دختران و زنان جوان در این قالب پاسخ داد. به عبارت دیگر، مقولهٔ سبک زندگی مخاطره‌آمیز براساس مقوله‌های لذت‌گرایی،

تجددگرایی، برابری گرای، تغییر الگوی فراغت، دوست‌محوری، فشار و درماندگی (شرایط علی)، مجاورت مکانی، فقدان مانع و سرپرست (شرایط زمینه‌ای) و مجاورت خانوادگی (شرایط مداخله‌ای) شکل گرفته که همگی از مؤلفه‌ها و عناصر مرتبط با سبک زندگی‌اند. بنابراین، به‌طور کلی مجموع شرایط مذکور در امتداد با یکدیگر موجب شده‌اند که پدیده‌ای با نام مصرف‌قلیان مورد توجه دختران و زنان جوان شهر شیراز قرار گیرد.

همان‌طور که می‌دانیم، جهانی‌شدن فرهنگی (که بیشتر شامل دو دوره اخیر تحولات فکری بشر، به‌خصوص دوره مدرن و پست‌مدرنیسم است)، بیشترین تأثیرات و دلالت‌های تربیتی مبتنی بر دنیاگرایی، مادی‌گرایی، لذت‌گرایی، عقل‌گرایی و فردگرایی را بر افراد داشته است [۴۶، ص ۹؛ ۵۷، ص ۱۱۵]. در واقع، ارزش‌های زیربنایی این گفتمان‌های جدید، از طریق استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نوین^۱ (که کارگزاران اصلی جهانی‌شدن فرهنگی هستند) جوانب گوناگون زندگی فرهنگی افراد را دچار دگرگونی و تحول کرده و به‌طور اجتناب‌ناپذیری به رشد لذت‌گرایی و کاهش نفوذ نیروهای سنتی منجر شده‌اند [۸۴، ص ۹۲]. از نتایج نفوذ این گفتمان‌ها، توجه و تمرکز بر «اصل لذت» در فعالیت‌های روزانه و سبک زندگی افراد است. این امر به اندازه‌ای است که بسیاری از سوژه‌ها صرفاً به دلیل کسب لذت، بی‌خیالی، احساس سرخوشی و آرامش و مانند آن ساعت‌ها پای قلیان می‌نشینند و مصرف می‌کنند. این همان اصل «وجود جذابیت و وسوسه در هدف» است که در نظریه فعالیت‌های روزانه، به‌منزله یکی از عوامل ارتکاب به ناهنجاری‌های اجتماعی یا قربانی‌شدن افراد مورد تأکید قرار گرفته است.

«سبک زندگی» مفهوم و پدیده‌ای مدرن است که با فراهم‌شدن «انتخاب» و «فرصت»‌های بازاندیشی معنا پیدا کرده است [۵۱، ص ۴۸۳-۴۸۶]. به عبارت دیگر، در جامعه مدرن، «بازاندیشی» و «انتخاب»، به بازتابندگی سبک زندگی و ارزش‌ها منجر می‌شوند [۴۴-۴۷، ص ۸۴] و از این طریق سایر الگوهای رفتاری نیز بازاندیشی می‌شوند؛ مثلاً، در عصر مدرن، هویت افراد از طریق مصارف روزانه بازتولید یا تقویت می‌شود یا آنکه تقلیل می‌یابد. در واقع، در این عصر آنچه حائز اهمیت است ماهیت فرهنگی مصرف است. از سوی دیگر، در جامعه مدرن، نوع و سبک «کنش‌های مصرفی» یا «سبک زندگی» است که هویت‌های فردی و اجتماعی را شکل می‌دهد [۴۴، ص ۱۱۸]. به بیان ساده‌تر، سبک زندگی ابزار هویت‌ساز است [۱۹، ص ۱۲۹؛ ۴۹، ص ۱۰۴] و افراد هویت خود را به‌جای منابع سنتی هویت، از خلال مصرف کالاها و سبک‌های گوناگون زندگی کسب می‌کنند [۲۹، ص ۴۵].

از این رو، شاهد آن هستیم که در جامعه مطالعه‌شده نیز برای دختران و زنان جوان، مصرف‌قلیان و سیگار ابزاری هویت‌ساز و نماد تجدد و تشخیص آنان، به‌ویژه در میان گروه دوستان، است. از نظر این افراد، انتخاب و مصرف قلیان مستقیماً با نظام قشربندی و لایه‌بندی اجتماعی

1. the new communication and information technologies

در ارتباط بوده و ملاک تشخیصِ مدرن بودن، روشن فکری، تمایز در فکر و اندیشه‌ورزی و امروزی بودن آنان است. این نیز خود یکی از دلایل «جذابیت سیگار و قلیان» و از عوامل علی مصرف آن در نمونه مطالعه شده محسوب می‌شود.

اوقات فراغت نیز یکی از شاخص‌های مهم سبک زندگی است [۳۲، ص ۹۶] که متأثر از شرایط مدرن و پسامدرن و به دنبال بازاندیشی‌های صورت گرفته در الگوی کلی سبک زندگی، دچار تغییر و تحولات بنیادی شده است [۴۵، ص ۱۲۲]؛ مثلاً، امروزه با شیوه‌های جدید رفتار اجتماعی (مانند پاساژگردی، تماشای رسانه‌های مختلف، توجه به بدن و زیبایی، ورزش کردن، شرکت در پارتی‌ها و...) برای گذراندن اوقات فراغت افراد مواجهیم. یافته‌های تحقیق حاضر نیز بیانگر آن است که یکی از گزینه‌های پاسخ‌گویان برای تفریح و پُر کردن اوقات فراغت استعمال قلیان است که البته با توجیهاتی چون در دسترس بودن، ارزان قیمت بودن و نداشتن آسیب‌های جسمانی نیز همراه است.

شایان ذکر است که علاوه بر متغیر بازاندیشی و انتخاب، «فرصت» یا «مجاورت» نیز از ویژگی‌های مهم سبک زندگی در عصر مدرن و پسامدرن است [۲۰، ص ۷۸] که در تغییر الگوی گذران اوقات فراغت افراد از مجاری از پیش تعیین شده گذشته تأثیرگذار بوده و در نهایت به مصرف قلیان در بین آنان منجر شده است. نمونه‌ای از این فرصت‌های فراهم شده در عصر تجدد، تغییر فعالیت‌های روزانه دختران و زنان از فعالیت‌های متمرکز در محیط خانواده به فعالیت‌های خارج از خانه است. این تغییر فعالیت روزانه طبق نظریه فعالیت‌های روزانه به منزله وضعیت‌هایی با «فرصت‌های» بیشتر برای قربانی شدن شناخته شده‌اند [۷۹؛ ۸۲؛ ۱۰۰]؛ مثلاً، افزایش حضور زنان و دختران در کافی‌شاپ‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، رستوران‌ها، باشگاه‌ها، کلوپ‌ها، پارتی‌ها و مانند آن، که در آن‌ها مصرف قلیان رواج دارد و امری بهنجار تلقی می‌شود (مجاورت مکانی)، فرصت‌هایی جهت مصرف قلیان مهیا کرده است.

یکی دیگر از عرصه‌هایی که در سطح کلان و در جریان جهانی شدن فرهنگی و همچنین تغییر سبک زندگی (در سطح میانی) تجدید نظر و بازاندیشی شده، توجه به حقوق زنان، افزایش مطالبات و تغییر نگرش به نقش جنسیتی است، زیرا امروزه در راستای اطلاع‌رسانی جنبش‌هایی چون فمینیسم، حقوق بشر و حقوق زنان، موقعیت زنان و روابط میان دو جنس هرچه بیشتر مساوات‌طلبانه‌تر شده است [۵۲، ص ۴۴]. بدین ترتیب، نگرش نقش جنسیتی زنان (حضور زنان در منزل و ایفای نقش مادری و همسری) و اختصاص حالات و رفتارهایی مشخص به آنان، همانند اینکه زنان ترسو، کم‌رو و خجالتی، آرام و... هستند، تغییر کرده و زن بودن (و همین‌طور مرد بودن)، از نظر وظایف، هنجارها و هویت‌هایی که ایجاب می‌کند، معنایی روشن و مشخص ندارد. به عبارت دیگر، زنان و مردان در چارچوب سرنوشتی که به واسطه نقش آن‌ها از پیش تعیین شده است زندگی نمی‌کنند [همان].

از این رو، امروزه دختران و زنان جوان به دنبال کسب برابری هرچه بیشتر در مسائل مادی مانند: آینده‌نگری فردی، اشتغال، مصرف‌گرایی، رفاه فردی، سودجویی و لذت‌گرایی‌اند. بر همین اساس، در همه حوزه‌های سبک زندگی و همچون اوقات فراغت و رفتارهای مصرفی، دست به بازاندیشی می‌زنند و با مردان به رقابت می‌پردازند. از آن جمله مصرف‌قلیان در حوزه عمومی و انظار دیگران است که برای این افراد به منزله به چالش کشیدن کلیشه‌های جنسیتی، اعتراض به نظام پدرسالاری، رقابت با مردن و اثبات جنسیت خود، کسب برابری حقوقی، استقلال و آزادی است. به عبارت دیگر، مصرف‌قلیان برای این گروه از دختران و زنان جوان، نوعی مصرف‌نمادین و اعتراض به نظام پدرسالاری و محدودیت‌های خانوادگی است که در آن‌ها برخی فعالیت‌های فراغتی مانند مصرف‌قلیان منحصر به مردان و برای زنان «زشت و ناپسند» دانسته شده است.

از سوی دیگر، می‌توان اصل «فقدان مانع و سرپرست» (براساس نظریه فعالیت‌های روزانه) را نیز در مصرف‌قلیان دخیل دانست. در این خصوص، می‌توان گفت بازاندیشی در مناسبات جنسیتی و مساوات‌طلبانه‌تر شدن روابط بین دو جنس [۵۲، ص ۱۳] موجب شده که از یک سو الزام به حضور زن در منزل و نظارت و کنترل جنس مخالف بر فعالیت‌های آنان کاهش یابد و از سوی دیگر مصرف‌قلیان از سوی آنان در حوزه عمومی و در انظار دیگران نیز چندان با واکنش تند و شدید مواجه نشود. بنابراین، برخورد سهل‌گیرانه خانواده و به‌ویژه مردان و نیز کاهش حساسیت‌ها و کنترل اجتماعی مردم، نقش مداخله‌ای در مصرف‌قلیان زنان و دختران در اماکن عمومی دارد.

سبک زندگی الگوی کلی زندگی است که به وسیله آن فرد برای ارضای نیازهای زیستی، اجتماعی و عاطفی خود کوشش می‌کند. این بدان معناست که سبک‌های زندگی دامنه وسیعی از الگوهای رفتاری را که با تقاضاهای ایجادشده از سوی موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط‌اند به ذهن متبادر می‌کنند. بنابراین، بین سبک زندگی فرد با فعالیت‌ها و استراتژی‌هایی که به لحاظ اجتماعی برای مقابله با زندگی شکل می‌دهد، رابطه نزدیکی وجود دارد [۷۹؛ ۱۰۵، ص ۵۳]. از همین رو، می‌توان گفت که بین کاستی‌های روحی و روانی و ناکامی‌های شخصی (سرخوردگی‌های ایجادشده در دستیابی به اهداف باارزش اجتماعی و مانند آن) با مصرف‌قلیان رابطه وجود دارد، زیرا هر فردی سبک فردی خودش را برای حل مشکلات ویژه زندگی توسعه می‌دهد [۹۷، ص ۱۹۹]. به تعبیر کوهن و فلسون بین رفتارهای نابهنجار، همانند مصرف‌قلیان و ناکامی سوژه در سبک زندگی، فعالیت‌های معمول و الگوهای کنش متقابل اجتماعی ارتباط وجود دارد [۷۹].

یکی دیگر از اصول مورد تأکید در نظریه فعالیت‌های معمول و سبک زندگی «مجاورت با انحراف» است. مصرف‌قلیان از دیرباز در کشورهای خاورمیانه و عربی و همچنین ایران به‌منزله بخشی از رفتارهای سنتی رواج داشته است. شهر شیراز نیز از این سنت دور نبوده و همچنین

به دلیل موقعیت جغرافیایی و هم‌جواری با کشورهای حاشیه خلیج فارس و استان‌هایی چون هرمزگان و بوشهر، که مصرف قلیان در آن‌ها شدت بیشتری دارد [۳، ص ۲]، هنوز این سنت را در خود نگه داشته است. بنابراین، مجاورت خانوادگی و فقدان مانع فرهنگی در مکان‌های عمومی از عوامل زمینه‌ای و مداخله‌ای مصرف قلیان‌اند.

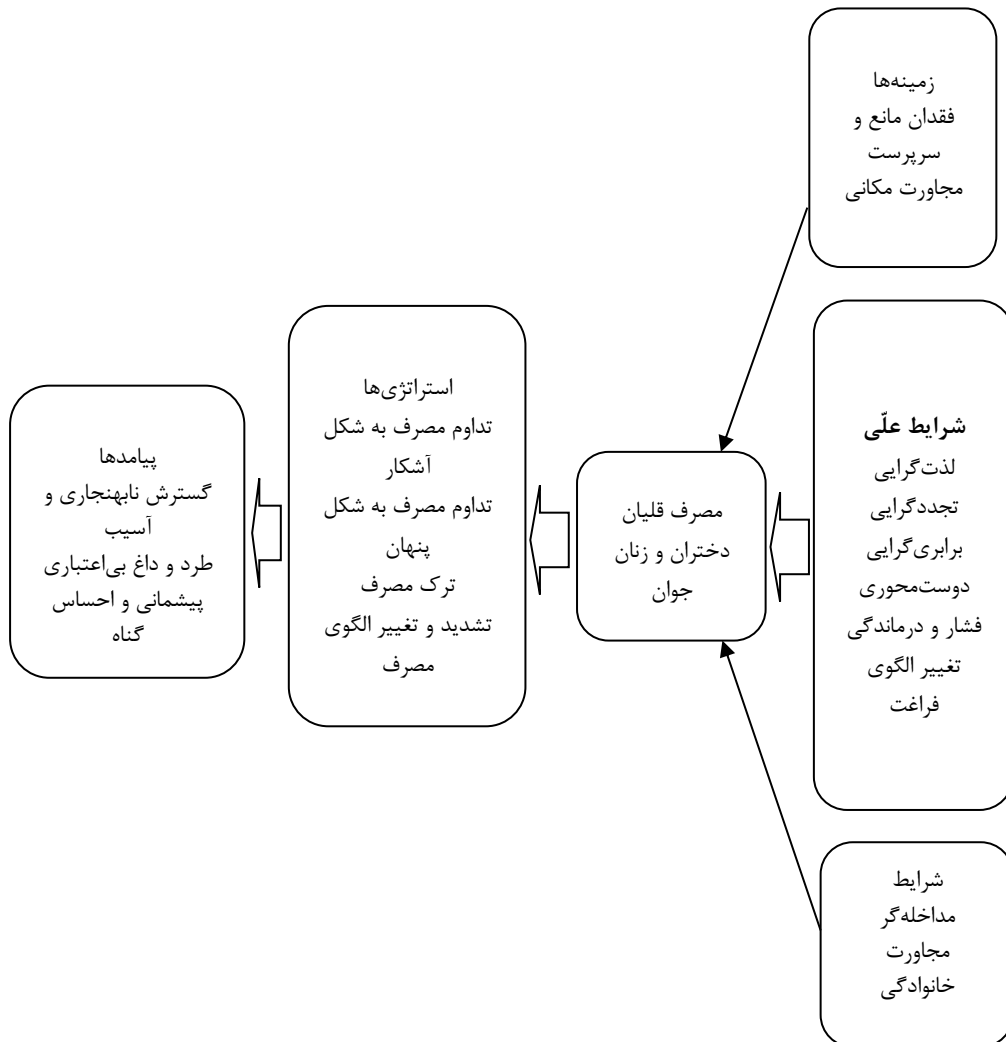
در همین زمینه، کوهن^۱ و فلسون^۲ نیز در نظریه‌های سبک زندگی و فعالیت‌های روزانه^۳ برای توضیح رابطه بین سبک زندگی و خطر (در اینجا مصرف قلیان)؛ از مفاهیم کانونی: مجاورت با انحراف، در معرض انحراف قرار گرفتن، جذابیت هدف و فقدان مانع استفاده می‌کنند [۱۴، ص ۶].

شایان ذکر است که جامعه و فرهنگ شهر شیراز و به‌ویژه جوانان آن نیز در حال تجربه کردن نوعی گذارند و از آثار جهانی شدن فرهنگی و تجدد بی‌تأثیر نبوده است. به عبارتی، می‌توان گفت که هویت ایرانیان امروزه از عواملی مانند: پیشینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، پارادایم جدید فکری، انسان مدرن و فرامدرن و نظام جهانی، چندبعدی متأثر شده و از ساختار ساده با محوریت ایرانی بودن، به ساختار پیچیده و ترکیبی با عناصر مدرن—اسلامی و ایرانی تغییر کرده است [۲، ص ۱۳۶؛ ۳۷، ص ۳۶-۳۷]. بر همین اساس است که می‌توان گفت ایرانیان هم مسلمان‌اند و هم جهانی. درعین حال که هم مذهبی‌اند و هم مدرن [۲، ص ۱۳۶؛ ۱۸، ص ۷]. از این رو، می‌توان گفت جهانی شدن فرهنگی در قالب سبک زندگی، انواعی از امکانات و «فرصت‌ها» را فراهم کرده که دختران و زنان جوان نیز می‌توانند از میان آن‌ها به «انتخاب» بپردازند. به عبارت دیگر، اهمیت یافتن سیاست زندگی براساس ترجیحات سبک‌های زندگی متفاوت، زمینه‌ای اصلی است که شرایط جدیدی را پیش‌روی آنان قرار داده است. از این رو، می‌توان گفت که مصرف قلیان نیز، به‌منزله کنشی رایج در بین برخی خانواده‌ها و بخشی از سنت ایرانی و شیرازی، امروزه تحت‌تأثیر جهانی شدن فرهنگی و در ورای مصرف فیزیکی آن، نظام معنایی و ارزشی متفاوتی (در مقایسه با گذشته) یافته است. به بیان ساده‌تر، در عصر حاضر، با بازاندیشی مصرف قلیان در بین دختران و زنان جوان مواجهیم که خود انعکاسی از بازاندیشی در سبک کلی زندگی است. بازاندیشی اشاره‌ای به استفاده از اطلاعات مربوط به شرایط فعالیت، به‌منزله ابزاری برای تنظیم و تعریف مجدد و قاعده‌مند معنا و چیستی رفتار است [۵۲، ص ۸۸]. این بدان معناست که مصرف قلیان بین دختران و زنان جوان اساساً مصرفی سمبلیک و نمایانگر سبک زندگی ویژه آن‌هاست که درنهایت هویت متمایز آنان را نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت که مصرف قلیان بیشتر در ارتباط با کنار رفتن سنت‌ها و رسوم از زندگی دختران و زنان جوان است (تا ادامه سنت گذشتگان).

1. cohen

2. felson

3. routine activity theory



شکل ۱. مدل زمینه‌ای درک دختران و زنان جوان از شرایط، تعاملات و پیامدهای مصرف قلیان

در نهایت، شایان ذکر است که پاسخ‌گویان با انتخاب قلیان در برابر آن تعاملات و استراتژی‌های خاصی اتخاذ می‌کنند که می‌توان آن‌ها را در قالب: ترک مصرف، گسترش و تغییر الگوی مصرف، مصرف به شکل آشکار و مصرف پنهان دسته‌بندی کرد. همچنین، مصرف قلیان از دیدگاه نمونه مطالعه شده برای آن‌ها پیامدها و نتایجی به همراه دارد که می‌توان آن را

در مقوله‌های: گسترش نابهنجاری و آسیب، پشیمانی و احساس گناه و در نهایت طرد و داغ اجتماعی دسته‌بندی کرد.

نتیجه‌گیری

در دهه‌های گذشته، چشم‌اندازهای نظری متعددی برای تبیین فعالیت‌های نابهنجر در قالب سبک زندگی افراد انجام گرفته‌اند [۱۰۱؛ ۱۲۱]. نظریه فعالیت‌های روزانه بر مجموعه فعالیت‌های انجام گرفته در قالب سبک زندگی، که زمینه کنش نابهنجر را فراهم می‌کنند، تأکید دارد [۷۷؛ ۷۹؛ ۱۰۵؛ ۱۲۰]. به عبارت دیگر، مجموعه تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، رشد فناوری و مانند آن، با ایجاد سیالیت و تحرک فراوان، تغییر سبک زندگی و تغییر روند فعالیت‌های معمول افراد، در زندگی نابسامانی اجتماعی ایجاد می‌کند. این نابسامانی با ایجاد فرصت و موقعیت^۱، ایجاد جذابیت در رفتار نابهنجر، از بین بردن و کاهش موانع اجتماعی و فرهنگی و در نهایت ایجاد وسوسه و انگیزه کافی در عامل، شرایط نابهنجاری و انحراف را برای وی فراهم می‌کند [۷۹؛ ۸۰].

همان‌طور که یافته‌های کیفی پژوهش حاضر نشان داد، تغییر و تحولات اجتماعی که گیدنز در قالب جهانی‌شدن فرهنگی و تغییر سبک زندگی بدان‌ها اشاره می‌کند به نوبه خود زمینه اجتماع چهار شرط پیش گفته را فراهم کرده است؛ مثلاً، افزایش آگاهی از جنبش‌های اجتماعی چون فمینیسم و گسترش مباحث حقوق زن موجب بازاندیشی در نگرش نقش جنسیتی، الگوی مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های فراغتی زنان شده که در نتیجه آن دختران و زنان جوان بیشتر در مجاورت با مکان‌هایی که مصرف قلیان در آن‌ها بهنجر تلقی می‌شود قرار می‌گیرند، یا بر گروه‌های دوستی در گذران اوقات فراغت تأکید می‌کند که در آن‌ها فشار اجتماعی برای هم‌نوایی و مصرف قلیان بسیار زیاد است یا اینکه خواهان همسانی و برابری با مردان در نوع فعالیت‌های فراغتی (و از جمله مصرف قلیان) هستند و حتی در برخی موارد مصرف قلیان را ابزاری جهت ابراز قدرت و به چالش کشیدن ساختار مردسالار جامعه تلقی می‌کنند. تحقیقات متعددی نیز مؤید نقش گروه دوستی و مجاورت و مصرف خانوادگی [۱۳؛ ۱۵؛ ۲۴؛ ۵۴؛ ۱۰۸؛ ۱۱۲] تأثیر مجاورت مکانی [۲۴] و تغییر الگوی گذران اوقات فراغت [۲۴؛ ۱۵] بر مصرف قلیان بودند.

به این مجموعه تحولات، گسترش مادی‌گرایی و لذت‌گرایی و بصری‌شدن هویت افراد را نیز باید افزود؛ به طوری که مصرف قلیان را برای بسیاری از دختران و زنان جوان هدفی مناسب نشان داده که از طریق آن می‌توانند به نوعی ژست روشن‌فکری و نماد تجدد و تشخص یا لذت

و حالت سرخوشی، فراموشی و گذران وقت دست یابند. نتایج بسیاری از تحقیقات دیگر نیز مؤید آن است که یکی از دلایل افزایش مصرف قلیان گسترش توتون‌های میوه‌ای یا طعم‌دار و لذت ناشی از مصرف این نوع از قلیان‌هاست [۳؛ ۱۵؛ ۵۴؛ ۹۳؛ ۱۱۱].

درنهایت، کاهش حساسیت‌ها و نبود مانع و سرپرست و مجاورت خانوادگی را می‌توان عوامل مداخله‌گر و زمینه‌ساز مصرف قلیان دختران و زنان جوان ذکر کرد. براساس نتایج حاصل از برخی پژوهش‌ها نیز، امروزه شاهد پذیرش مصرف قلیان دختران در خانواده‌ها و بی‌تفاوتی و کاهش حساسیت نسبت به آن هستیم [۳؛ ۱۵؛ ۵۴]. همچنین، شواهد و یافته‌های برخی تحقیقات نشان می‌دهد که افزایش مصرف قلیان با افزایش قهوه‌خانه‌ها و چایخانه‌های سنتی و رستوران‌های عرضه‌کننده این مواد در ارتباط است [۳؛ ۱۵؛ ۵۴؛ ۹۳؛ ۱۱۰].

به‌طور کلی، نظریه‌ها و نتایج تحقیقات متعددی مؤید وجود رابطه بین الگوی سبک زندگی و انواع مختلفی از نابهنجاری‌ها چون مصرف الکل [۸۹]، سیگار، قلیان و مواد مخدر از نوع مختلف است [۶۲؛ ۶۵؛ ۶۶؛ ۷۶؛ ۹۷؛ ۱۰۴؛ ۱۰۶؛ ۱۱۷؛ ۱۱۹].

همان‌طور که مشاهده می‌شود، براساس نظریه سبک زندگی و عاملیت گیدنز، رخداد کنش‌های نابهنجاری، چون مصرف قلیان، بیشتر به نوع انتخاب فعالیت‌های سوژه در سبک زندگی او وابسته است. فلسون نیز با پیوند دادن تئوری‌های فعالیت‌های روزانه و نظریه انتخاب منطقی به یکدیگر، به نقشی فعال برای سوژه قائل است [۷۹]. زیرا سوژه در یک انتخاب آگاهانه قلیان را برای مصرف انتخاب می‌کند، از دیدگاه وی قلیان طرد اجتماعی کمتری یا حتی در برخی موارد و بین برخی گروه‌ها، پذیرش اجتماعی نیز دارد (فقدان مانع و سرپرست). آنان حتی در مورد نوع موقعیتی که برای مصرف قلیان انتخاب می‌کنند به هنجار مکانی آن و توجه‌هایی چون جایی که هیچ نشانه‌ای مبنی بر عدم پذیرش و طرد اجتماعی مصرف‌کنندگان وجود ندارد، توجه دارند.

بنابراین، به‌طور کلی هم‌سو با نظریه‌های گیدنز، فلسون و کوهن (مبنی بر اینکه شرط تحقق کنش نابهنجار تجمیع و حضور همه شرایط و عوامل است)، ضروری است جهت برون‌رفت از وضع موجود و کاهش مصرف قلیان بین دختران و زنان جوان، نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی از یک‌سو و همچنین نقش ارادی و گزینش انتخابی سوژه را در برنامه‌ریزی‌ها در نظر داشت. این بدان معناست که جهت پیشگیری از مصرف قلیان باید به اقدامات فرابخشی و بین‌ساختاری و به‌ویژه منطبق با شرایط فرهنگی جامعه توجه کرد. برای مثال، توجه هم‌زمان به امر فرهنگ‌سازی با تأکید بر نقش رسانه‌ها، کنترل ورود، توزیع و فروش قلیان، ایجاد اشتغال، ساماندهی اوقات فراغت و مانند آن بسیار ضروری است.

منابع

- [۱] آبادینسکی، هوارد (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی مواد مخدر*، ترجمه محمدعلی زکریایی، ستاد مبارزه با مواد مخدر، پژوهشکده ملی مطالعات مواد مخدر در ایران، تهران: آیین کتاب.
- [۲] آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن*، تهران: تمدن.
- [۳] آقاملایی، تیمور؛ زارع، شهرام (۱۳۸۶). «الگوی استعمال سیگار و قلیان در جمعیت بالای ۱۵ سال بندرعباس، یک مطالعه جمعیتی»، *مجله پزشکی هرمزگان*، س ۱۱، ش ۴، ص ۲۴۱-۲۴۶.
- [۴] احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۷۷). *جنس دوم (مجموعه مقالات)*، مقاله «زن و مواد مخدر در ایران»، ج ۴، تهران: چاپ غزال.
- [۵] اراضی، حمید؛ عسگری، بهمن (۱۳۹۰). «شیوع مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان دختر تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی»، *فصل‌نامه اعتیادپژوهی سوء مصرف مواد*، س ۵، ش ۱۹.
- [۶] استونز، راب (۱۳۸۳). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.
- [۷] امیرعلی اکبری، صدیقه و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت بهداشت باروری زنان مراجعه‌کننده به مراکز منتخب ترک اعتیاد شهر تهران»، *نشریه علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی شهید بهشتی*، دوره ۸، ش ۷۰، ص ۱-۶.
- [۸] امینیان، اعظم؛ سید میرزایی، سیدمحمد (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی فاکتورهای زمینه‌ساز خانواده و مدرسه در گرایش دختران نوجوان به کثرتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر»، *خانواده‌پژوهی*، س ۶، ش ۲۳، ص ۳۱۳-۳۳۴.
- [۹] بیاتی، پروانه (۱۳۸۹). «بستر اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر اعتیاد به مواد روان‌گردان در میان زنان»، *اعتیادپژوهی سوء مصرف مواد*، س ۴، ش ۱۴.
- [۱۰] پاینده، محبوبه؛ جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۸۹). «بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دغدشت»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۵، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- [۱۱] پیرسون، کریستوفر (۱۳۸۰). *معنای مدرنیت/گفت‌وگو با آنتونی گیدنز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: کویر.
- [۱۲] پیرصالح، محبوبه (۱۳۸۷). «بررسی علل اقتصادی اجتماعی، روانی گرایش زنان به اعتیاد در بین گروهی از زنان مجتمع شبه‌خانواده شفق»، *اعتیادپژوهی*، ش ۸.
- [۱۳] ترقی‌جاه، صدیقه؛ حمدیه، مصطفی؛ یعقوبی، نرگس (۱۳۸۹). «عوامل پیش‌بینی‌کننده مصرف سیگار و قلیان در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی»، *پژوهش در پزشکی (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی)*، دوره ۳۴، ش ۴، ص ۲۴۹-۲۵۶.

- [۱۴] ترنر، برایان (۱۳۸۰). *شرق‌شناسی پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن*، ترجمه غلامرضا کیانی، تهران: فرهنگ گفتمان: ریاست جمهوری، مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- [۱۵] جهان‌پور، فائزه و همکاران (۱۳۹۳). «علل گرایش به مصرف قلیان در بین نوجوانان و جوانان: یک مطالعه کیفی»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، س ۳، ش ۴.
- [۱۶] حاجلی، علی؛ زکریایی، محمدعلی؛ حجتی کرمانی، سوده (۱۳۸۹). «نگرش مردم به سوء مصرف مواد مخدر در کشور»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، س اول، ش ۲.
- [۱۷] خادیمیان، طلیعه، قناعتیان؛ زهرا (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد زنان به مواد مخدر مراکز بازپروری و کاهش آسیب زنان شهر تهران (مراکز تولد دوباره و خانه خورشید)»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، س ۲، ش ۴.
- [۱۸] خواجه‌نوری، بیژن؛ مقدس؛ علی اصغر (۱۳۸۴). «جهانی‌شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان (بررسی موردی دو شهر شیراز و استهبان)»، *مطالعات زنان*، ش ۷، ص ۵-۳۲.
- [۱۹] خواجه‌نوری، بیژن؛ روحانی، علی؛ هاشمی، سمیه (۱۳۸۹). «سبک زندگی و هویت ملی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز)»، *مطالعات ملی*، ش ۴۴، ص ۱۲۷-۱۵۲.
- [۲۰] خواجه‌نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا؛ همت، صفری (۱۳۹۳). «مطالعه ارتباط سرمایه اجتماعی و فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان، مطالعه موردی جوانان شهر بندرعباس»، *فصل‌نامه مطالعات ملی*، س ۵۷، ش ۱، ص ۹۵-۱۱۷.
- [۲۱] خواجه‌نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا (۱۳۹۲). «مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و پذیرش اجتماعی بدن: مطالعه موردی زنان شهر کرمانشاه»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، ش ۳، ص ۲۹۵-۳۱۴.
- [۲۲] خواجه‌نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا؛ همت، صفری (۱۳۹۲). «جهانی‌شدن فرهنگی و نگرش مردان به نقش زنان»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، ش ۳، ص ۴۳۳-۴۴۷.
- [۲۳] دانش، پروانه؛ ملکی، امیر؛ نیازی، زهره (۱۳۹۲). «نظریه زمینه‌ای درباره علل اعتیاد زنان معتاد زندانی در زندان مرکزی اصفهان»، *فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، دوره اول، ش ۴، ص ۱۲۵-۱۴۵.
- [۲۴] دهداری، طاهره؛ جعفری، علیرضا؛ جوینی، حمید (۱۳۹۱). «بررسی دیدگاه‌های دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران در مورد عوامل مؤثر بر مصرف قلیان»، *مجله علوم پزشکی رازی*، دوره ۱۹، ش ۹۵.
- [۲۵] رابرتسون، یان (۱۳۷۲). *درآمدی بر جامعه*، ترجمه بهروان، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان مقدس رضوی.
- [۲۶] رایبینگتن، ارل؛ مارتین، واینبرگ (۱۳۹۳). *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.

- [۲۷] رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۱). «عوامل مؤثر در شروع مصرف مواد مخدر: با اشاره به وضعیت زنان»، *اعتیادپژوهی*، دوره ۱، ش ۱، ص ۸۳-۹۶.
- [۲۸] رحیمی موقر، آفرین (۱۳۸۳). «شیوع و الگوهای مصرف مواد و اعتیاد زنان در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی *رفاه اجتماعی*، س ۳، ش ۱۲، ص ۲۰۳-۲۲۶.
- [۲۹] رضایی، مصطفی (۱۳۸۹)، «سبک‌های زندگی و چالش‌های هویتی»، *زمانه (جامعه و علوم اجتماعی)*، ش ۹۵، ص ۴۴-۴۵.
- [۳۰] رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). *توسعه و تضاد*، تهران: سهامی انتشار، چ ۳.
- [۳۱] سعیدی، علی اصغر؛ دیباجی فروشانی؛ شکوه؛ فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۹). «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر مصرف سیگار در بین زنان و دختران شهر تهران»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، س اول، ش ۴، ص ۳۴۰-۳۴۸.
- [۳۲] شالچی، وحید (۱۳۸۷). «سبک زندگی جوانان کافی‌شاپ»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، ش ۱، ص ۹۳-۱۱۵.
- [۳۳] شریفی، هومن و همکاران (۱۳۸۵). «بررسی الگوی مصرف محصولات دخانی: سیگار و قلیان در شهر تهران سال ۱۳۸۵؛ آیا مصرف قلیان رو به افزایش است؟»، در دست انتشار.
- [۳۴] شیرخانی، فاطمه (۱۳۸۶). *علل و عوامل سوق‌دهنده زنان به سوی اعتیاد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۳۵] صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳ الف). *بررسی وضعیت موجود و سوء مصرف مواد مخدر در بین دانش‌آموزان کل کشور*، وزارت آموزش و پرورش، معاونت تربیت بدنی و تندرستی.
- [۳۶] _____ (۱۳۸۳ ب). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آن.
- [۳۷] صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ قادری، صلاح‌الدین (۱۳۸۸)، «ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن (به تفکیک دانشگاه محل تحصیل)»، *تحقیقات فرهنگی*، ش ۸، ص ۳۵-۶۵.
- [۳۸] صفری، فاطمه (۱۳۸۲). «اعتیاد و زنان: تفاوت‌های جنسیتی در زمینه سوء مصرف مواد و درمان آن»، *اعتیادپژوهی*، س اول، ش ۲، ص ۱۱۹-۱۳۹.
- [۳۹] علائی خرایم، رقیه و همکاران (۱۳۹۰). «میزان شیوع مصرف سیگار، قلیان، مشروبات الکلی و مواد مخدر و محرک در میان دانش‌آموزان دبیرستانی»، *فصلنامه اعتیادپژوهی سوء مصرف مواد*، س ۵، ش ۱۸.
- [۴۰] علیوردی‌نیا، اکبر؛ آرمان‌مهر، وجیهه (۱۳۸۷). «فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری: آزمون تجربی نظریه پیوند هیرشی»، *نشریه علوم حرکتی و ورزش*، س ۶، ج ۲، ش ۱۲، ص ۱۳۳-۱۴۱.

- [۴۱] علیوردی‌نیا، اکبر؛ جانعلیزاده چوب‌بستی، حیدر؛ جعفری، آزاده (۱۳۹۱). «تحلیل اجتماعی نقش انگ‌زنی غیررسمی در نگرش دانشجویان نسبت به مواد مخدر»، پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم/اجتماعی، س اول، ش ۴، ص ۱-۱۸.
- [۴۲] عنایت، حلیمه؛ پرنیان، لیلا (۱۳۹۲). «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری زنان: مطالعه موردی زنان جوان شهر شیراز»، فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و جامعه، س ۴، ش ۲، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- [۴۳] فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۴۴] کفاشی، مجید، پهلوان، منوچهر؛ عباس‌نژاد عربی، کاظم (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی جوانان: مطالعه موردی جوانان ۲۹ — ۱۵ ساله شهر بابل»، پژوهش/اجتماعی، ش ۹، ص ۱۱۷-۱۳۹.
- [۴۵] کلانتری، عبدالحسین؛ حسینی، حسین (۱۳۸۷). «رسانه‌های نوین و زندگی روزمره: تأثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان»، رسانه، ش ۴، ص ۱۱۹-۱۳۵.
- [۴۶] کلدی، علیرضا؛ صفی‌پور، جلال (۱۳۸۱). «تحلیل جامعه‌شناسی از خودبیگانگی در میان دانشجویان: مطالعه‌ای در تهران»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ش ۳۵، ص ۱۴۹-۱۸۰.
- [۴۷] گروسی، سعیده؛ محمدی دولت‌آباد، خدیجه (۱۳۹۰). «تبیین تجربه زیسته زنان وابسته به مواد مخدر از پدیده اعتیاد»، جامعه‌شناسی زنان، س ۲، ش اول.
- [۴۸] گلد، استیون (۱۳۸۴). نظریه کنترل CAP شاد در مورد سوء مصرف مواد مخدر، ترجمه شروین وکیلی، تهران: جامعه و فرهنگ.
- [۴۹] گیبینز و بوریمر، جان (۱۳۸۴). سیاست پست‌مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران: گام نو.
- [۵۰] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، چ ۲.
- [۵۱] _____ (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- [۵۲] _____ (۱۳۸۰). مدرنیته و مدرنیسم، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: نقش جهان.
- [۵۳] _____ (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلاتی‌پور، تهران: طرح نو.
- [۵۴] مؤمنان، امیرعباس و همکاران (۱۳۸۶). «الگوی مصرف قلیان در بین نوجوانان دانش‌آموز: مطالعه مقطعی در منطقه ۱۳ شهر تهران»، فصل‌نامه پایش، س ۶، ش ۲، ص ۱۳۵-۱۴۴.
- [۵۵] ممتاز، فریده (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار.
- [۵۶] مهدی عراقی، مهناز (۱۳۸۴). بررسی وضعیت اعتیاد زنان در بین زنان شهر سنندج، پایان‌نامه کارشناسی مددکاری اجتماعی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- [۵۷] میرمحمدی، داوود (۱۳۸۱). «جهانی‌شدن؛ ابعاد و رویکردها»، فصل‌نامه مطالعات ملی، س ۳، ش ۱۱، ص ۵۹-۸۴.

- [۵۸] ناصری پلنگرد، سهیلا و همکاران (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر اعتیاد زنان»، فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، س ۴، ش ۱۶، ص ۸۳-۹۴.
- [۵۹] نجاری، فارس (۱۳۸۶). «بررسی اعتیاد در زنان معتاد مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد تهران در سال ۱۳۸۴-۱۳۸۵»، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۲۵، ش ۴، ص ۴۵۷-۴۶۳.
- [۶۰] نقی‌زاده، محمد مهدی و همکاران (۱۳۹۲). «بررسی الگوی اعتیاد زنان خودمصرف شهرستان فسا (۱۳۸۸-۱۳۹۰)، مجله دانشگاه علوم پزشکی فسا، س ۳، ش ۴.
- [۶۱] ولد، جرج برنارد؛ توماس. اینپس، جفری (۱۳۸۰). جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.
- [۶۲] هاشمیان، م. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر فرار دختران نوجوان بزهکار»، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار (اسرار)، س ۹، ش ۲، مسلسل ۲۴.
- [۶۳] هزار جریبی، جعفر؛ ترکمان، مهدی؛ مرادی، غلامرضا (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر شهرستان کرج به مصرف مواد مخدر»، فصل‌نامه مطالعات مدیریت انتظامی، س ۵، ش ۲.
- [64] Aghamohamahasani, Parvin (2006). "Investigation of the prevalence of aggression against women by husbands in among the persons who are dependent to opium substance who were referred to an addiction clinic of the Medical University of Rafsanjan during the year 2004", *Annals of General Psychiatry*, 5 (suppl 1).
- [65] Agnew, R., & Petersen, D.M. (1989). "Leisure and Delinquency", *Social Problems*, Vol. 36, No. 4, pp 332-350.
- [66] Agnew, R., Matthews, S.K., Bucher, J., Welcher, A.N. & C. Keyes (2008). "Socio-economic Status, Economic Problems, and Delinquency." *Youth & Society* Vol. 40, No. 2, pp 159-181.
- [67] Ajzen, I. & Fichbein, M. (1980). *Understanding attitudes and predicting social behavior*. Englewood Cliff, MJ: prentice-Hall.
- [68] Aljarrah, K. & Ababneh, ZQ. & Al-Delaimy, W.K. (2009). "Perceptions of hookah smoking harmfulness: predictors and characteristics among current hookah users". *Tob Induc Dis*, 5(1): p16.
- [69] Almerie, MQ. ET. AL. (2008). "Cigarettes and water-pipe smoking among medical students in Syria: a cross – sectional study". *Int Tuberc Lung Dis*, 12(9): pp 91-1085.
- [70] Anjum, Q. & Ahmed, F. & Ashfaq, T. (2008). "Knowledge, attitude and perception of water-pipe smoking (Shisha) among adolescents aged 14-19 years. *J pack Med Assoc*, 58(6): pp 7-312.
- [71] Arevalo, Sandra & Guillermo, prado, hortensidamaro (2008). "Spiritually, Sense of coherence and coping responses in women receiving treatment for alcohol and drug addiction". *Evaluation and program planning*, pp 113-123.
- [72] Bergman, Inger&Et. AL. (1998). "Personality characteristics of women with alcohol addiction: A Rorschach study of women in an early treatment program", *Scandinavian Journal of Psychology*, 39, pp 47-54.

- [73] Berry, J.W. (2005). "Acculturation: Living successfully in two culture", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 29, Issue. 6, pp 697–712.
- [74] Berry, J.W. (2002). "Conceptual Approaches to Acculturation", in *Acculturation: Advances in Theory, Measurement, and Applied Research*, (Eds) by Chun, K.M., Organista, P. B. & Marin, G., Decade of Behavior, American Psychological Association, Washington, DC.
- [75] Chaney, D. (1996). *Lifestyle*, London, Rutledge.
- [76] Chliaoutakis, J.E., Koukouli, S., Lajunen, T. & G. Tzamalouka (2005). "Lifestyle Traits as Predictors of Driving Behavior in Urban Areas of Greece", *Transportation Research*, Part F 8, Vol. 8, Issue 6, pp 413–428.
- [77] Choi, K.S. (2008). "Structural Equation Modeling Assessment of Key Causal Factors in Computer Crime Victimization" (*PH.D Dissertation*), *School of Graduate Studies and Research, Indiana University of Pennsylvania*, < <http://dspace.lib.iup.edu:8080/dspace/bitstream/2069/72/1/Kyung-shick+Choi+Revised+04-03-08.pdf>>.
- [78] Clayton, Richard R., ET. Al. (1986). "Gender Differences in Drug Abuse", *5600 fishers lave, Rockville, Maryland 20857*,
- [79] Cohen, L. E., & Felson, M. (1979). "Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach". *American Sociological Review*, Vol. 44, No. 4, pp 588-608.
- [80] Cohen, L., Kluegel, J., & Land, K. (1981). "Social inequality and predatory criminal victimization: an exposition and test of a formal theory". *American Sociological Review*, Vol. 46, Issue 5, pp 505- 524.
- [81] Easthope, H. (2009). "Fixed identities in a mobile world? The relationship between mobility, place and identity", *Identity: Global studies in culture and power*, 16: pp 61-82.
- [82] Felson, M. (1987). "Routine Activities and Crime Prevention in the Developing Metropolis", *Criminology*, Vol. 25, Issue 4, pp 911-932.
- [83] Finkelhor, D. & N.L. Asdigian (1996). "Risk Factors for Youth Victimization: Beyond a lifestyle /routine Activities Theory Approach", *Violence and Victims*, Vol. 11, No. 1, pp 3-19.
- [84] Giddens, A. (1992). *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love & Eroticism in Modern Societies*, California, Stanford University press.
- [85] Grange, gills and Christophe vayssiere, Anne borgne (2005). "Description of tobacco Addiction in pregnant women". *European journal of obstetrics gynecology*. pp 146-151.
- [86] Griesbach, D. Ams, A. & Currie, C. (2003). "Adolescent smoking and family structure in Europe". *Soc Sic Med*, 56 (1), pp 41-52.
- [87] Hadidi, K.A. & Mohammad, F.I. (2004). "Nicotine content in tobacco used in hubble-bubble smoking", *Saudi Medical Journal*, 25, pp 17-912.
- [88] Haight, Wendy and Janet d. Carter-black, Kathryn Sheridan (2009). "Mothers experience of methamphetamine addiction: A case –based analysis of rural, Midwestern women", *Journal children and youth services review*, pp 71-77.
- [89] Karvonen, S., West, P., Sweeting, H., Rahkonen, O. & Young, R. (2001). "Lifestyle, Social Class and Health-Related Behavior: A Cross-Cultural Comparison of 15 Year Olds in Glasgow and Helsinki", *Journal of Youth Studies*, VOI.4, No. 4, pp 393-413.
- [90] Kandela, P. (2000). *Narghile smoking keeps Arabs in wonderland*, *Lancet*, 365: p 1175.

- [91] Kanyajit, S. (2003). *An Analysis of Causes of Deviant Juvenile Behaviors during Current Globalization*, PhD thesis in Criminology and Criminal Justice, Man idol University, <http://mulinet10.li.mahidol.ac.th/e-thesis/4137938.pdf>.
- [92] Keller, A.P. (2000). *An Ethnographic study of substance – dependent women in Residential treatment*, requirement for Degree of Doctor of Nursing science, Louisiana state university.
- [93] Khor Poh Y, & ET. AL. (2012). “Contributory factors to the smoking of shisha among teenagers in the perak city of Ipoh: a preliminary qualitative survey”, *Int J public health Res*, 2(1): pp 4-80.
- [94] Knishkowsy, B. & Amitai, Y. (2005). “Water-pipe (narghile) smoking: An emerging health risk behavior”, *Pediatrics*, 116(1): pp 9-113.
- [95] Koneru, V.K., Weisman de Mamani, A.G., Flynn, P.M., Betancourt, H. (2007). “Acculturation and mental health: Current findings and recommendations for future research”, *Applied and Preventive Psychology*, Vol. 12, pp 76–96.
- [96] Kuper, H. & Adami, H.O. & Boffetta, P. (2002). “Tobacco use, cancer causation and public health impact”, *Intern Med*. 251(6): pp 66-455.
- [97] Maniyar, M. (2004). *Women Criminals and Their Life-Style*, New Delhi, Kaveri Book.
- [98] Maziak, W. et. Al. (2004). “Belief and attitudes related to narghile (water-pipe) smoking among university student in Syria”, *Annuals of Epidemiology*, 14: pp 540-646.
- [99] Maziak, W. (2010). “The global epidemic of water-pipe smoking”, *Addictive behaviors*, 36 (1-2): pp 1-5.
- [100] Messner, S.F. & J.R. Blau (1987). “Routine Leisure Activities and Rates of Crime: A Macro-Level Analysis”, *Social Forces*, Vol. 65, No. 4, pp 1035-1052.
- [101] Miethe, T. D., & Meier, R. F. (1990). “Opportunity, Choice, and Criminal Victimization: A Test of a Theoretical Model”. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 27, No. 3, pp 243- 266
- [102] Moffitt, & A. Caspi (Eds.), *Causes of Conduct Disorder and Juvenile Delinquency* (pp.118-148). New York: Guilford. Wikström, P-O. H., & Sampson, R.
- [103] Nguyen, L., & Peterson, C. (1993). “Depressive symptoms among Vietnamese-American college students”, *Journal of Social Psychology*, Vol. 133, No. 1, pp 65–71.
- [104] Nofziger, S. (2008). “Deviant Lifestyles and Violent Victimization at School”, *Journal of Interpersonal Violence*, Vol .24, No. 9, pp. 1494-1517.
- [105] Osgood, D. W., Wilson, J. K., O’Malley, P. M., Bachman, J. G., & Johnston, L. D. (1996). “Routine An activities and Individual Deviant Behavior”. *American Sociological Review*, Vol. 61, No. 4, pp 635-655.
- [106] Pauwels, L. & R. Svensson (2009). “Adolescent Lifestyle Risk by Gender and Ethnic Background: Findings from Two Urban Samples”, *European Journal of Criminology*, Vol. 6, No. 1, pp 5-23.
- [107] Pirard, Sandrine (2010). “Women, Girls and Addiction: Celebrating the feminine in counseling treatment and recovery”, *Arch women’s Mental Health*. 13: pp 291-292.
- [108] Poyrazoglu, S & ET. AL. (2010). “Water-pipe (narghile) smoking among medical and non-medical university students in Turkey”, *Ups J Med Sci*, 115(3): pp 6-210.

- [109] Robinson, E., DiIorio, C., DePadilla, L., McCarty, F., Yeager, K. Henry, T., Schomer, D., P. Shafer (2008). "Psychosocial predictors of lifestyle management in adults with epilepsy", *Epilepsy & Behavior*, Vol. 13, pp 523–528.
- [110] Roskin, J. & Aveyard, P. (2009). "Canadian and English students belief about water-pipe smoking: a qualitative study", *BMC Public Health*, pp 9:10.
- [111] Salameh, P. & Waked, M. & Aoun, Z. (2008). "Water-pipe smoking: construction and validation of the Lebanon water-pipe Dependence Scale (LWDS-11)", *Nicotine Tob Res*, 10(1): pp 58-149.
- [112] Schreck, C.J. & B.S. Fisher (2004). "Specifying the Influence of Family and Peers on Violent Victimization, Extending Routine Activities and Lifestyles Theories", *Journal of Interpersonal Violence*, Vol. 19, No. 9, pp 1021-1041.
- [113] Smith, France, M. & Marshall, Lisa, A. (2007). "Barriers to effective drug addiction treatment for women involved in street level prostitution: A qualitative investigation", *Criminal Behavior and Mental Health*, 17: pp 163-170.
- [114] Stein, R.E. (2009). "Assault Victimization: A Comparative Analysis of the United States, the Netherlands, and England & Wales", *International Journal of Criminal Justice Sciences (IJCJS)*, Vol. 4, No. 1, pp 44–59.
- [115] Straus, Anselm and Corbin, Juliet (1990). *Basis of qualitative research*. London: Sage.
- [116] Sutherland, E & R. Cressy (1955). *Principles of criminology*, 5 Edited, J.B. Lippincott.
- [117] Svensson, R. & L. Pauwels (2010). "Is a Risky Lifestyle Always "Risky"? The Interaction Between Individual Propensity and Lifestyle Risk in Adolescent Offending", *Crime & Delinquency*, Vol. 56, No. 4, pp 608-626.
- [118] Wede, B.A. (2003). *Sad ballad for the Water-pipe cafes of Astoria*. The New York Times, February 23.
- [119] Wegner, Lisa, Alan J. Flisher, Martie Muller & Carl Lombard (2006). "Leisure Boredom and Substance Use Among High School Students in South Africa", *Journal of Leisure Research*, Vol. 38, No. 2, pp 249-266.
- [120] Wikström, P-O. H., & R.J. Sampson (2003). *Social Mechanisms of Community Influences on Crime and Pathways in Criminality*. In B. B. Lahey, T. E.
- [121] Zhang, L., Welte, J.W. & Wiczorek, W.F. (2001). "Deviant lifestyle and crime victimization" *Journal of Criminal Justice*, Vol. 29, No.4, pp 133-143.